

نشریه بیست و
هشتمین جشنواره
بین‌المللی تئاتر فجر

شماره دوم
هشتاد و هشت

۲ بهمن ۱۳۸۸

تئاتر

حسیع مسافر آستانه، مشاور عالی دبیر
جشنواره و عضو شورای عالی انتخاب:

تئاتر نمی تواند
درجا بزند

گزارشی از مراسم افتتاحیه بازار تئاتر ایران

شکوه تئاتر ایران
در ویتترین بازار تئاتر

«لیر شاه» و «مشدی عباد»
انتخاب برتر تماشاگران

نوروز
تئاتر ایران

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده



جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر روزهای تئاتر کشور را تازه می‌کند. حال دل‌بستگان تئاتر در این روزها بهتر است؛ مشکلات و کم و کاستی‌ها فراموش می‌شود. خانواده تئاتر کنار هم می‌نشینند و گذشته و حال و آینده تئاتر کشور را تماشا می‌کنند. دید و بازدید آدم‌هایی که یک سال ندیده‌ای، گپ و گفت حرف‌های مانده بر دل و زبان در چهارسوی گفته‌ها و ناگفته‌های سالی که سپری شده و گمانه‌زنی‌های سرخوشانه از اتفاقاتی که قرار است یا امیدواریم در سال آینده بیفتد. خوب شد که اینطور شد و چه شد که بد شد گفتن‌ها و کی چه کار کرده و خوب بود و بد بود گفتن‌ها، نقل مجالس این روزهای تئاتر است و الخ ...

همین است که می‌گویند حال تئاتری‌ها و آدم‌هایی که با هر نسبت با تئاتر ارتباط دارند، در این روزها خوب است. این را می‌شود با مرور ذهنی دوره‌های قبلی جشنواره و حتی مرور جنب و جوش روز گذشته در مقابل تالارهای تئاتر پایتخت دید و بدون اغراق حالی تازه کرد. حتی اگر تا همین دو روز پیش حالت از دست روزگار خراب باشد. اهل این خاک باشی یا میهمان تازه‌رسیده از فرنگ، می‌توانی با چشم غیرمسلح این شور و حال را ببینی.

حتی اگر یک سال نادیده گرفته شده باشی و از تئاتر بدقولی و بی‌مهری و بی‌پولی و بی‌معرفتی و همه عدم‌ها و فقدان‌ها را دیده باشی، چون دل در گرو هنری اندیشه‌ساز داری، همین که می‌بینی تئاتر حالش بهتر است، حالت بهتر می‌شود. این حال بهتر هم انگار عادت نمی‌شود و هر بار مثل رفع عطش بعد از خوردن آب تازگی دارد.

دیگر نه جای کینه‌روزی و تنگ‌نظری است، نه جای قهر و ناسپاسی. انگار پاشنه روزگار به نیکی می‌چرخد. همه این احوال نشانه‌های نوروزی و "حول حالنا الی احسن الحال" دارد. جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر این‌گونه است که هر سال نوروز تئاتر ایران می‌شود، پیش از آن که نوروز روزهای تقویمی از راه برسد. نوروز می‌آید هر سال، سروقت. خوشا آن که در این روزها بیداری طلب کند نه خواب.

اولین بازار تئاتر ایران افتتاح شد

رویش زیتون تئاتر در باغچه تئاتر شهر



تئاتر شهر کاشته شد.

حسین پارسایی در خصوص این اقدام که با مشارکت ستاد برگزاری جشنواره، انجمن تئاتر خیابانی، خانه تئاتر، شهرداری تهران و ناحیه یک شهرداری منطقه ۱۱ انجام گرفت، گفت: به نمایش‌گران تئاتر خیابانی تبریک می‌گویم که با کاشت نهال زیتون به عنوان نمادی از صلح و دوستی، آغازگر جشنواره بیست و هشتم بودند.

همچنین صدای دبیر جشنواره در سالن‌های نمایش، همزمان با آغاز اولین اجرای آنها پخش شد. دبیر بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از این طریق به شرکت‌کنندگان این اتفاق هنری و بین‌المللی تبریک گفت.

بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با برپایی سه افتتاحیه نمادین در روز نخست، کار خود را آغاز کرد.

روز گذشته پس از مراسم افتتاح بازار تئاتر ایران در تالار وحدت و بازگشایی نمایشگاه عکس و پوستر تئاتر در خانه هنرمندان، آیین افتتاح دیگری با کاشت نهال زیتون در مقابل ساختمان مجموعه تئاتر شهر برگزار شد.

در این مراسم که با حضور محمدحسین ایمانی‌خوشخو (معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) و حسین پارسایی (دبیر بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر و مدیر اداره کل هنرهای نمایشی) برگزار شد، نهال زیتونی به نشانه رویش تئاتر در باغچه

کارگردان «مشدی‌عباد» در افتتاحیه بازار تئاتر:

روز عید جشنواره‌های تئاتری!

جنت سلیم‌آوا، کارگردان آذربایجانی، در بازدید از بازار تئاتر ایران این اتفاق را یک معجزه نامید و افزود: این روز یک عید برای تئاتر و جشنواره‌های تئاتری به شمار می‌رود. این کارگردان در روزهای اول و دوم جشنواره تئاتر فجر نمایش «مشدی‌عباد» را اجرا می‌کند.



«لیرشاه» و «مشدی‌عباد»

انتخاب برتر تماشاگران

- ۲- «رقص زمین» حسین پاکدل، با امتیاز ۲/۴
 - ۳- «هملت، شاهزده کوچولوی دانمارک»، رضا بابک با امتیاز ۱/۹
 - ۴- «غریبه‌ای در خانه» دلارا نوشین با امتیاز ۱/۷
 - ۵- «ضعیت پایانی» محمد عرب‌اسدی با امتیاز ۱/۴
- نمایش‌های خارجی:
- ۱- «مشدی‌عباد»، جنت سلیم‌آوا با امتیاز ۲/۴
 - ۲- «آخرین پسر سیمرغ»، اشتفان وایلد با امتیاز ۱/۸

- «لیرشاه» و «مشدی‌عباد» بالاترین امتیاز مردمی نمایش‌های روز اول را به خود اختصاص دادند. به گزارش ستاد جمع‌آوری آرای تماشاگران، در جریان امتیازدهی مخاطبان به نمایش‌های ایرانی و خارجی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر که با دو شاخصه ظرفیت سالن و تعداد مخاطب و معیارهای خوب، متوسط و ضعیف بررسی شده است، با سقف امتیازدهی ۵ نتایج زیر حاصل شد. نمایش‌های ایرانی:
- ۱- «لیرشاه»، آرش دادگر با امتیاز ۴/۲

تئاتر

نشریه بیست و هشتمین
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجرمدیرمسئول: حسین پارسایی
سردبیر: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده

معاون سردبیر: مریم فلاح

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: عباس عبدالعلی‌زاده

مدیر هنری: علی رستگار

تحریریه: زهرا شایانفر، رضا آشفته، احمد محمداسماعیلی، علی شمس، بهاره برهانی، سید محسن حسن‌زاده، احسان هوشیارگر، محمدحسین لواسانی و سمیرا محمدی

معرفی آثار: رضا آشفته، سید محسن حسن‌زاده

ویراستار: محمد عبدعلی

برگردان به انگلیسی: منور خلج

برگردان به فارسی: حسین شاکری

صفحه‌آرا: مهدی‌میرحسینی

عکس: حسن هندی

با همکاری: امیر خلوصی و اکبر ترابی

با همراهی: مسعود پاکدل، محمدرضا سلطانی

عکس روز: رضا معطریان

با همکاری: میلااد پیامی، اختر تاجیک، مهدی حسینی، رؤفقه رستمی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده و رضا موسوی

آرشیو عکس: محمد تهرانی

امور انفورماتیک: مهدی عبدالعلی‌زاده

نمونه‌خوانی و تصحیح: ساعد وثوقی با همکاری فریبا ولی‌نژاد، معصومه مهدوی و بهناز ولی‌نژاد

حروف‌نگار: ساناز صالحی، علیرضا حسین‌زاده‌نیری

ناظر چاپ: محمد علی بهستانی

لیتوگرافی و چاپ: گنجینه هنر

با سپاس از همکاری: جلال تجنگی، محمد اطیابی و محمدرسول صادقی

سایت ایران تئاتر: www.theater.irسایت بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فجر: www.fitf.ir

امروز و فردا با جشنواره

شنبه ۸۸/۱۱/۳

تالار وحدت (۱۹:۰۰) «مشدی عباد» جنت سلیم‌آوا (تئاتر ملل آذربایجان) ۱۲۰ دقیقه.
تالار اصلی (۱۹:۰۰) «رومولوس کبیر» نادر برهانی مرد (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.
تالار چهارسو (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «کهربا» سیمین امیریان (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۶۵ دقیقه.

تالار کشفیایی (۱۷:۰۰ / ۲۰:۰۰) «یکی مثل همه» کتابون حسین‌زاده (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۷۰ دقیقه.
تالار سایه (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «تبار خون» توحد معصومی (برگزیدگان مناطق / اردبیل) ۵۵ دقیقه.

کارگاه نمایش (۲۰:۳۰ / ۱۶:۰۰) «حباب شیشه» تانیا میرمطهری (تجربه‌های نو / شیراز) ۷۵ دقیقه.
تماشاخانه سنگلج (۲۰:۳۰ / ۱۸:۰۰) «گیلگمش» جلال مردنیز (تئاتر ملل / ترکیه) ۵۰ دقیقه.

تالار مولوی (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «بلوط‌های تلخ» شهرام کرمی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۷۰ دقیقه.
خانه نمایش اداره تئاتر (۱۸:۳۰) «قلاده برای سگ مرده» بهاء‌الدین کرمی (برگزیدگان مناطق / تکیب) ۶۰ دقیقه.

تالار هنر (۱۸:۳۰) «کفترلا» رضا جوش‌عار (جشنواره جشنواره‌ها / بندر عباس) ۶۵ دقیقه.
تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۷:۰۰) «ماه‌زدگان» بهرام تشکر (جشنواره جشنواره‌ها) ۶۰ دقیقه.

تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «هفت علیه تب» آوارو آرکوس (تئاتر ملل / کلمبیا) ۵۰ دقیقه.
تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «خنکای ختم خاطره» نیما دهقان (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸ و مسابقه بین‌الملل) ۹۰ دقیقه.
پارکینگ تالار وحدت (۲۰:۳۰) «دل‌و» سیروس کهوری‌نژاد (میهمان) ۵۰ دقیقه.
تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر (۱۵:۰۰) «تهران ۱۳۹۰» پریسا مقتدی (نمایشنامه‌خوانی) ۸۰ دقیقه.
تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان (۱۸:۰۰) «وقتی بچه‌ها نمی‌میرند» مجید حمزه (راديو تئاتر) ۶۰ دقیقه.
محوطه تئاتر شهر (۱۹:۰۰ / ۱۸:۳۰ / ۱۸:۰۰) «یک معركة» میثم سرآبادانی، «پلان آخر» مختار محمدی، «توهم تک‌بعدی» جمشید بهرامی و «دون کیشوت» علی نوریان (خیابانی، منتخب جشنواره‌ها)
محوطه تئاتر شهر (۱۷:۰۰ / ۱۶:۳۰) «تیک تاک تیپ‌تاپ» مهدی اصغری و «الگوی مصرف» علی رحیمی (خیابانی، بخش ویژه انقلاب اسلامی).
بوستان باغ هنر (۱۷:۰۰ / ۱۶:۳۰ / ۱۶:۰۰ / ۱۵:۳۰) «انسان هسته‌ای» شاهد پیوند «معطل» محمد زارع‌زاده، «ما همه می‌دویم» پوریا کریمی و «به سرعت گیر نزدیک می‌شوید» مهدی حبیبی (خیابانی).
خانه هنرمندان، سالن نیلوفر (۹ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «افسانه و اسطوره تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان.
تئاتر شهر، سالن کنفرانس (۱۰:۰۰ تا ۱۲:۰۰) کارگاه «زبان جدید برای تئاتر معاصر»، مدرس: لوان ختاگوری از گرجستان.

یکشنبه ۸۸/۱۱/۴

تالار وحدت (۱۹:۰۰) «دزدآب» هادی مرزبان (میهمان) ۹۵ دقیقه.
تالار اصلی (۱۹:۰۰) «ما همه اهل یک محله‌ایم» رضا صابری (میهمان / مشهد) ۱۰۰ دقیقه.
تالار چهارسو (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «عشق لرزه» سهراب سلیمی (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸ و مسابقه بین‌الملل) ۹۰ دقیقه.

تالار کشفیایی (۱۷:۰۰ / ۲۰:۰۰) «اتلولو» عاطفه تهرانی (تجربه‌های نو) ۸۰ دقیقه.
تالار سایه (۱۷:۳۰ / ۲۰:۰۰) «شمشیرهای ژنرال» مسعود موسوی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۵۵ دقیقه.
کارگاه نمایش (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «دویدن با زخم کف‌پا» علی زرگس‌نژاد (میهمان) ۷۰ دقیقه.
تماشاخانه سنگلج (۲۰:۳۰ / ۱۸:۰۰) «و خدا گفت» آورا سیدریوپولو (میهمان بین‌الملل / یونان) ۸۰ دقیقه.

تالار مولوی (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «جای پای خالی» عبدالمحمد سالاری (برگزیدگان مناطق / بندر لنگه) ۵۰ دقیقه.
خانه نمایش اداره تئاتر (۱۸:۳۰) «دخترای ننه دریا» مریم شوقی (جشنواره جشنواره‌ها) ۴۰ دقیقه.
تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۷:۰۰) «گلف» نعمت زمان‌پور (جشنواره جشنواره‌ها / مسجد سلیمان) ۶۵ دقیقه.

تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «هفت علیه تب» آوارو آرکوس (تئاتر ملل / کلمبیا) ۵۰ دقیقه.
تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «پروانه‌ها» فرانچسکو گاندی و داوید ونتورینی (مسابقه بین‌الملل / ایتالیا) ۵۰ دقیقه.
پارکینگ تالار وحدت (۲۰:۳۰) «فانتومیس‌تیریا» کارگروهی تئاتر نورگفورتا (مسابقه بین‌الملل / چک) ۶۰ دقیقه.

تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر (۱۵:۰۰) «دبستان دوشیزگان» شکوفه آروین (نمایشنامه‌خوانی) ۴۵ دقیقه.
تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان (۱۸:۰۰) «یک اجرای شنیدنی» آشا محرابی (راديو تئاتر) ۶۰ دقیقه.
محوطه تئاتر شهر (۱۹:۰۰ / ۱۸:۳۰ / ۱۸:۰۰) «تلاطم امواج» بهرام ریحانی، «به سرعت گیر نزدیک می‌شوید» مهدی حبیبی و «معطل» محمد زارع‌زاده (خیابانی، منتخب جشنواره‌ها)
محوطه تئاتر شهر (۱۷:۰۰ / ۱۶:۳۰) «عشق + عشق» مسعود محرابی و «انسان هسته‌ای» شاهد پیوند (خیابانی، بخش ویژه انقلاب اسلامی).
بوستان باغ هنر (۱۷:۰۰ / ۱۶:۳۰ / ۱۶:۰۰ / ۱۵:۳۰) «فرشته‌ها می‌آیند» رسول حق‌شناس، «تیک تاک تیپ‌تاپ»، مهدی اصغری «الگوی مصرف» علی رحیمی و «شما چی می‌گید؟» سامان خلیلیان (خیابانی)
خانه هنرمندان، سالن نیلوفر (۹ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «افسانه و اسطوره تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان

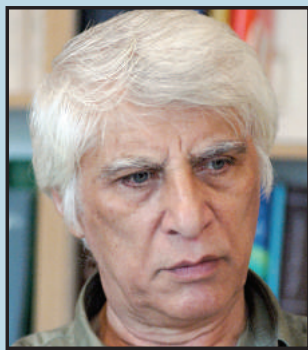
تالار وحدت، طبقه هفتم (۱۰:۰۰ تا ۱۲:۰۰) کارگاه «ماسک شخصیت» مدرس: برایان دالی از کانادا

رنه فرانکنه به هیأت داوری پیوست

«رنه فرانکنه» از کشور هلند به جای «هیلتا هلوینگ» در ترکیب هیأت داوران قرار گرفت. «اپون ماری هلن رنه فرانکنه» از کشور هلند به همراه داود رشیدی، داود میرباقری، لوان ختاگوری و برایان دلی داوری بخش بین‌الملل تئاتر جشنواره را برعهده دارند.

بهرام بیضایی پس از تماشای شازده کوچولو دامنار:

یک اتفاق نوین در آثار کودک



بهرام بیضایی که شب گذشته به همراه خانواده خود از نمایش «هملت»، شاهزاده کوچولو دامنار» دیدن کرد، این نمایش را اتفاقی نوین در کار کودک نامید. مدیر روابط عمومی تماشاخانه ایرانشهر به نشریه روزانه گفت: «در اولین روز جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با استقبال گسترده‌ای روبرو بودیم و در جمع تماشاگران هر دو اجرای این تماشاخانه، چهره‌های برجسته تئاتری دیده می‌شدند». بهرام بیضایی به همراه خانواده، رسول نجفیان، سروش صحت، فلا مک جنیدی و فرخ نعمتی در اجرای سالن شماره یک و هوشنگ گل‌مکانی، پرفسور کامیابی مسک، بهرام بهرامیان و جمع بسیار زیادی از مهمانان خارجی جشنواره و هنرمندان تئاتر در اجرای سالن شماره دو حضور پیدا کردند.

یک دسته گل برای گروه

ستاد برگزاری جشنواره در اقدامی نمادین با هدایای یک دسته گل به کارگردان هر نمایش از تلاش گروه قدردانی می‌کند. این دسته گل در پایان اجرای اول هر نمایش به کارگردان به عنوان نماینده گروه اهدا می‌شود تا به نوعی به زحمات گروه برای اجرا در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر «خسته نباشید» گفته شود.

اینترنت پرسرعت در سالن‌های

جشنواره فعال شد

با تلاش روابط عمومی بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر، اینترنت پرسرعت در تالارهای مولوی، سنگلج، وحدت و مجموعه تئاتر شهر راه‌اندازی شد. همچنین تالار مولوی به سیستم بیسیم و پایون خبرنگاران در مجموعه تئاتر شهر به سیستم‌های رایانه‌ای مجهز شدند.

مدیر روابط عمومی جشنواره تئاتر فجر با اشاره به خلف وعده شرکت اینترنت لایزر، در این خصوص یادآور شد: با کوشش و همکاری قاسم مرادی مدیر کمیته مالی و جواد رضایی مدیر کمیته هماهنگی، همچنین مدیران تالارهای مولوی و سنگلج، توانستیم امکانات اینترنت را از شرکت‌های دیگر اینترنتی مانند شاتل، پارس‌آنلاین و... دریافت کنیم.

شرایط اجرای «آخرین پرسیمرغ»

برخی از خبرنگاران را پشت در گذاشت

شب گذشته تعدادی از خبرنگاران که قصد داشتند با کارت خبرنگاری خود از نمایش پرسیمرغ دیدن کنند، به دلیل تکمیل شدن ظرفیت اجرا از ورود به تالار اصلی بازماندند. به گزارش روابط عمومی جشنواره، «آخرین پرسیمرغ» پیش از برگزاری جشنواره اجرای عمومی داشت و شب گذشته آخرین اجرای خود را در جشنواره روی صحنه برد. این نمایش فقط از سن به عنوان صحنه و جایگاه تماشاگران استفاده کرده بود، به همین دلیل ردیف ویژه خبرنگاران نداشت. تالار اصلی تئاتر شهر از امروز طبق برنامه‌ریزی اعلام‌شده با اختصاص ردیف‌های ۴ و ۵ به خبرنگاران با تمام ظرفیت پذیرای این عزیزان خواهد بود.



احمد محمداسماعیلی:
یکی از راه‌های اعتلای سطح
کار هنرمندان تئاتری، تبادل
نظر و آشنایی با آثار گروه‌های
حرفه‌ای کشورهای صاحب تئاتر
است. کارگاه‌های آموزشی برگزار
شده در خلال برگزاری دوره‌های
مختلف جشنواره تئاتر فجر، قطعاً
در این زمینه بستر ساز مناسبی
برای شکل‌گیری چنین خواسته‌ای
هستند.

همراه با شرکت کنندگان کارگاه آموزشی «افسانه و اسطوره تئاتر»

فرصتی برای تبادل دانش تئاتری

سارا ریحانی، بازیگر و طراح حرکات
فیزيکال:

تصویری روشن از تئاتر

ایران و جهان

ریحانی در مورد تاثیر برگزاری این کارگاه‌های آموزشی معتقد است: تاثیر برگزاری این کارگاه‌های آموزشی در ارتباط متقابل میان هنرمندان ایرانی و میهمانان خارجی به وجود می‌آید. حضور در این کارگاه‌های آموزشی باعث می‌شود شناخت و بینشی از سبک کاری به وجود بیاید. هنرمندان ایرانی ممکن است تصور ذهنی خاصی از وضعیت هنری در سایر کشورها داشته باشند که چندان مطابق با واقعیت نباشد. این امر ممکن است در مورد ذهنیت یک هنرمند اروپایی از وضعیت کاری هنرمندان تئاتری ما نیز وجود داشته باشد. بنابراین جدا از شناخت مسائل تئاتری، یک تبادل فرهنگی هم میان هنرمندان در طول برگزاری این کارگاه‌های آموزشی شکل می‌گیرد. وی در ادامه تاکید می‌کند: نکته متفاوت در بحث ساختاری تئاتر در ایران و اروپا بدین‌گونه است که در ایران تمامی فعالیت‌های تئاتری تحت نظر یک نهاد دولتی با عنوان اداره کل هنرهای نمایشی برگزار می‌شود، در حالی که در اروپا شرکت‌های کوچک و مستقل زیادی در حیطه تئاتر فعالیت می‌کنند که هر کدامشان برای این‌که بتوانند مخاطبان بیشتری داشته باشند، توجه و انگیزه بالایی نسبت به اختصاص امکانات و تبلیغات تلویزیونی جهت اطلاع‌رسانی مخاطبان دارند. به هر حال، در ایران به علت دولتی بودن تئاتر بهتر است تلاش بیشتری از سوی مدیران برای فروش بیشتر نمایش‌ها صورت گیرد و گروه‌ها هم با بستن قراردادهای مالی با اداره کل، به فروش نمایش خود در هنگام اجرا توجه داشته باشند.

سارا ریحانی:
تأثیر برگزاری
کارگاه‌های آموزشی
در ارتباط متقابل
میان هنرمندان
ایرانی و میهمانان
خارجی به وجود
می‌آید

گروه‌های تئاتری خارج از کشور داشته‌ام و مطمئن هستم در طی این کارگاه‌های آموزشی، به تجربیات جدیدی دست پیدا می‌کنم.

آروند دشت‌آرای، کارگردان تئاتر:

تبادل فرهنگی در کارگاه‌های تئاتری

دشت‌آرای که به طور منظم در کارگاه‌های آموزشی حضور دارد، در مورد آشنا شدن با دیدگاه‌های کارگردانان و کارشناسان خارجی در این کارگاه‌های آموزشی معتقد است: در تجربیات پیشینم، با این کارگاه‌های آموزشی - در دوران برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر- با برخی از اطلاعات به‌روز مدیریت تئاتر، گروه‌ها و شرکت‌های نمایشی آشنا شده‌ام و تا حدی گروه‌های ایرانی توانستند تحت تاثیر این دانش‌های جدید، نظام‌های کاری‌شان را به‌روزتر کنند که قابل بحث در عرصه گرافیک، بازاریابی و مدیریت تئاتر بود. این تبادل فرهنگی باید بیشتر از این ادامه داشته باشد و در طول سال فقط محدود به برگزاری جشنواره تئاتر نباشد. کارگردان "سگ سکوت" در ادامه می‌افزاید: این‌که نمایشی از ایران در سایر کشورها و نمایش‌هایی از خارج از کشور در ایران اجرا شود، بیشتر جنبه تبادل فرهنگی و اقتصادی دارد. بنابراین، بهتر است تعدادی از فعالان تئاتری ایرانی نیز در خارج از کشور کارگاه‌های آموزشی برگزار کنند و گروه‌های خارجی هم این روند را در ایران پیگیری کنند. باید گفت‌وگو میان سطوح مختلف بازیگر با بازیگر، کارگردان با کارگردان، نمایشنامه‌نویس با نمایشنامه‌نویس و سایر حرفه‌های تئاتری اتفاق بیفتد. به این ترتیب، تئاتر در کشور در مسیر پیشرفت و حرکت روبه جلو قرار می‌گیرد و بهتر می‌توانیم مبنای فرهنگی تئاترمان را به خارج از کشور منتقل کنیم.

پانته آ بهرام:
هر بار که در
کارگاه‌های آموزشی
شرکت دارم، فراموش
می‌کنم که پانته آ
بهرام با یک سابقه
طولانی بازیگری
هستم

پانته آ بهرام، بازیگر تئاتر و سینما:

یک شروع دیگر

وی در مورد علت حضورش در این کارگاه‌های آموزشی می‌گوید: چند سال پیش هلنا والدمن، مدرس و کارگردان بزرگ تئاتر آلمان، برای حضور در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و برگزاری کلاس‌های آموزشی به ایران آمده بود که من نیز در کلاس‌هایش شرکت کردم. حضور در این کلاس‌های آموزشی علاوه بر آشنایی با نکات جدید و به‌روز تئاتری در سطح دنیا، یک تبادل فرهنگی میان ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف را به وجود می‌آورد.

به عنوان بازیگری که سال‌ها در این عرصه فعالیت می‌کنم، علاقه دارم کار را در حیطه بازیگری گسترش دهم و از محدوده مرزهای فرهنگی و فضای تئاتری کشور فراتر بروم. هر بار که در کارگاه‌های آموزشی شرکت دارم، برایم در حکم یک شروع تازه است و فراموش می‌کنم که پانته آ بهرام با یک سابقه طولانی بازیگری هستم. فکر می‌کنم اگر کسی باشم که برای اولین بار در فضای بین‌فرهنگی قرار می‌گیرم، چه اتفاقی در این حضور برایم رخ خواهد داد.

جواد نمکی، بازیگر تئاتر:

به دنبال تجربه‌های تازه

این بازیگر در مورد تاثیر کلاس‌های آموزشی در بازیگری‌اش می‌گوید: در وهله اول، عنوان تخصصی و موضوعی مورد بحث این کارگاه‌ها (افسانه و اسطوره) باعث حضور شد. نمایش‌های قبلی من در گروه تئاتری مونگو (آگامنون) و گروه تئاتری شایا (لیرشاه) - به عنوان بازیگر - در این حیطه‌ها طبقه‌بندی می‌شد. بنابراین، فرصت بسیار مناسبی بود که با مسائل و رویکردهای جدید این بحث‌ها آشنا شوم. البته فعالیت‌هایی در این حیطه با

جواد نمکی:
عنوان تخصصی و
موضوعی مورد بحث
این کارگاه‌ها باعث
حضورم شد و فرصت
مناسبی بود که با
رویکردهای جدید
این بحث‌ها آشنا
شوم



سمیرا محمدی: بازار تئاتر ایران روز جمعه ساعت ۱۰ صبح با حضور حسین پارسایی دبیر بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و مدیر اداره کل هنرهای نمایشی، محمد اطیابی دبیر بخش بین‌الملل و جمعی از اعضای گروه‌های ایرانی و بین‌الملل در طبقه دوم تالار وحدت کار خود را آغاز کرد. این در حالی است که ۵۰ گروه ایرانی از اقصی نقاط ایران به همراه اعضای خود در این بازارچه که برای اولین بار در طول برگزاری جشنواره‌های تئاتر فجر برپا می‌شود، شرکت کرده‌اند. از ساعت‌های اولیه افتتاح بازارچه تئاتر ایران، گروه‌ها با جنب و جوش متفاوت و خاصی به چیدن غرفه‌های خود پرداختند و هر کدام سعی داشتند تا چهره متفاوت و زیبایی از آثار خود به نمایش بگذارند.

گزارشی از مراسم افتتاحیه بازار تئاتر ایران

شکوه تئاتر ایران در ویتترین بازار تئاتر

دریچه‌ای برای ارتباط بیشتر

را به میهمانان بین‌الملل عرضه می‌کنیم تا با آثار این گروه‌ها بیش از پیش آشنا شوند و دریچه‌ای برای ارتباط بیشتر و معرفی نمایش‌های ایرانی به گروه‌های بین‌الملل فراهم آید. پارسایی تأکید کرد: بدون شک، برگزاری بازارچه تئاتر ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور دستاوردهای مثبت خود را با حضور آثار گروه‌های ایرانی در شرکت‌های بین‌المللی نمایان می‌سازد.

وی افزود: این رویداد فرهنگی مسلماً دستاوردهای مناسب و فراوانی را به همراه خواهد داشت و سبب خواهد شد تجربه‌های پراکنده گروه‌های نمایشی در یک فضای برابر در کنار هم جمع شوند. او ادامه داد: بازارچه تئاتر ایران با حضور ۵۰ گروه و شرکت داخلی که از نقاط مختلف ایران آمده‌اند، نشان‌دهنده شکوه تئاتر ایران است و ما در این بازار بیش از ۲۰۰ نسخه از آثار گروه‌های شرکت‌کننده

حسین پارسایی دبیر بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر که از ساعت شروع کار بازارچه تئاتر ایران در تالار وحدت حضور داشت، ضمن بازدید از غرفه‌های متفاوت و خوش‌آمدگویی به گروه‌ها در ارتباط با این رویداد جدید در گفت‌وگو با خبرنگار نشریه جشنواره گفت: گشایش بازارچه تئاتر ایران فرصت متفاوت و مناسبی است که در این دوره از برگزاری جشنواره تجربه می‌کنیم.

در انتظار دستاوردهای بازارچه تئاتر

منیژه محامدی سرپرست گروه «تئاتر پیوند» که به همراه گروه خود در یکی از غرفه‌های این بازار مستقر است، برگزاری نخستین بازارچه تئاتر ایران را حرکتی مثبت ارزیابی کرد و گفت: «دستاوردها و نتایج این حرکت مسلماً در آینده نمود می‌یابد، اما در کل برگزاری و ایجاد این حرکت نوین در جشنواره تئاتر فجر مثبت و مهم است.»

فرصتی برای معرفی تئاتر ایران

کتایون فیض‌میرندی سرپرست گروه «تئاتر آما» نیز که به همراه گروهش در غرفه‌ای از بازارچه تئاتر ایران حضور دارد، برپایی بازارچه تئاتر ایران را یک حرکت خوب و مثبت ارزیابی کرد و افزود: امیدوارم گروه‌ها از این بازارچه استقبال خوبی به عمل آورند، زیرا فرصت مناسب و مهمی برای معرفی آثار به شرکت‌های بین‌الملل است. وی افزود: آن‌ها می‌توانند از نزدیک در این بازارچه با آثار نمایشی گروه‌های ایرانی آشنا شوند و این فرصت برابری برای گروه‌ها است تا به صورت مستقیم آثارشان را به علاقه‌مندان عرضه کنند. مرنندی در ادامه بیان کرد: با توجه به این که مشکل آشنایی و ارتباط گروه‌های سینمایی با شرکت‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی تا حدود زیادی حل شده است، امیدوارم که بازارچه تئاتر ایران نیز این فرصت مناسب را برای گروه‌های تئاتری ایجاد کند.

به امید تداوم برگزاری بازار تئاتر

سهراب سلیمی که از ساعات اولیه شروع کار بازارچه به همراه گروهش غرفه شماره ۲۲ را با عکس‌هایی از نمایش‌های گروه از جمله «صورتک» آماده کرده است، گفت: بازارچه تئاتر ایران فرصت مناسبی برای عرضه آثار است و امیدوارم که این حرکت مثبت و خوب در دوره‌های بعدی جشنواره نیز ادامه یابد، زیرا همانند نمایشگاه کتاب فرصتی برای گروه‌های نمایشی پیش آمده تا در یک فضای مناسب و برابر به صورت آماده و مرتب به عرضه آثارشان بپردازند.

تجربه‌ای تازه برای اهالی تئاتر

گروه تئاتر «آدونای» نیز در آخرین غرفه سمت چپ سالن بازارچه قرار دارد. اعضای این گروه از ساعات اولیه گشایش بازارچه آماده عرضه آثار خود بودند. حسن باستانی سرپرست گروه، این حرکت جدید را که برای اولین بار برای گروه‌های تئاتری اتفاق افتاده، مناسب دانست و خاطر نشان کرد: در سینما تجربه بازار فیلم را داشتیم، اما این حرکت جدید برای تئاتر غافلگیرکننده بود. خوشبختانه با مدیریت‌های جدید و طراحی‌های صورت گرفته، همه توان خود را برای آماده کردن آثار برای شرکت در این بازارچه انجام دادیم. وی افزود: بازارچه تئاتر ایران فرصت مغتنم و مناسبی برای عرضه مستقیم آثار به گروه‌های خارجی است که امیدوارم علاوه بر گروه‌های نمایشی خارجی، نمایندگان شرکت‌های بین‌المللی نیز از این بازارچه استقبال کنند؛ زیرا گروه‌های بین‌المللی به تنهایی توانایی پشتیبانی از آثار ایرانی برای اجرا در کشور خود را ندارند.

عرضه آثار مکتوب

غرفه کانون تولیدات تئاتر عروسکی نخستین شماره مجله «تک» را در غرفه خود به نمایش گذاشته است. البته آثار عروسکی تولیدی به همراه کتاب‌های چاپ‌شده در حوزه تئاتر عروسکی نیز در این غرفه عرضه شده است. در غرفه انتشارات نیز آخرین شماره‌های مجله «نمایش» به همراه ۱۶ کتاب جدید که به مناسبت دهه فجر به چاپ رسیده است، به چشم می‌خورد. غرفه دفتر آیینی - سنتی، فیلم‌های آثار منتخب جشنواره را به همراه بولتن و کاتالوگ دوره گذشته‌اش، همراه با فراخوان دوره جدید آن به دوستداران خود ارائه کرده است. لازم به ذکر است، بازارچه تئاتر ایران هر روز از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۶ همزمان با شروع اجراهای جشنواره دایر است.

علاوه بر شرکت گروه‌های نمایشی از سراسر ایران در بازارچه تئاتر ایران، شاهد برپایی غرفه‌هایی برای ارائه آثار مکتوب نیز هستیم. مثلاً انتشارات نمایش با دو غرفه به همراه کانون تئاتر عروسکی و دفتر تئاتر آیینی - سنتی در فضای میانی و درست روبه‌روی غرفه‌های نمایش به عرضه آثار مکتوب خود در حوزه نمایش می‌پردازند.

بازارچه تئاتر ایران فرصت مناسب و برابری برای گروه‌های نمایش ایرانی است تا به صورت مستقیم با گروه‌های بین‌الملل ارتباط داشته باشند و به معرفی آثار خود بپردازند

موقعیتی برای معرفی گروه‌های شهرستانی

که ۵ نمایش در این بازارچه شرکت دارد. وی افزود: امیدواریم با این تمهید، آثار ما به صورت بهتر و مناسب‌تری از گذشته به گروه‌های داخلی و بین‌الملل معرفی شود.

علی سلامت بازیگر این گروه، برپایی بازارچه تئاتر ایران را فرصت مناسبی برای گروه‌های نمایش خصوصاً گروه‌های شهرستانی دانست و افزود: نمایش‌های گروه تئاتر «فروغ اردبیل» تاکنون در چند کشور اجرا شده و گروه ما یکی از فعال‌ترین گروه‌های شهرستانی است.

در کنار حضور گروه‌های نمایشی تهرانی، گروه‌های مختلفی از نقاط گوناگون کشور نیز در این بازارچه شرکت داشتند. برای نمونه، گروه تئاتر «فروغ اردبیل» با اعضای خود در این بازارچه حضور داشت.

حسین مسافر آستانه، مشاور عالی دبیر جشنواره و عضو شورای عالی انتخاب:

تئاتر نمی‌تواند درجا بزند



جشنواره تئاتر فجر با ۱۴ بخش تخصصی در بیست و هشتمین دوره خود، تلاش کرد نگاهی منسجم به هیأت‌های بازبینی و بازخوانی داشته باشد و از پراکندی هیأت‌های گوناگون و پر تعداد پرهیز کند. شورای عالی انتخاب با حضور ۹ چهره سرشناس تئاتر حاصل این رویکرد بود و حسین مسافر آستانه که دبیری جشنواره تئاتر فجر در سال گذشته را بر عهده داشت، انسجام در تیم انتخاب، از مرحله متن تا اجرا را از جمله ویژگی‌های این اتفاق می‌داند.

حسین مسافر آستانه نویسنده و کارگردان و مدرس تئاتر، در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به عنوان مشاور عالی دبیر و یکی از اعضای شورای عالی انتخاب آثار، حضور داشته است. از این‌رو، در خصوص معیارهای انتخاب آثار و رویکرد جشنواره به بخش‌های مختلف با او به گفت‌وگو نشستیم. او ارتقای تئاتر کشور به لحاظ محتوایی، مضمونی و ساختاری را مهم‌ترین ملاک ارزیابی آثار بخش‌های جشنواره معرفی کرده و با اشاره به انسجام شورای انتخاب آثار، عدم تضاد در انتخاب‌های بازخوانی و بازبینی را یکی از نکات قوت جشنواره امسال بر می‌شمارد.

کرد، آیا رویکرد خاصی برای این بخش تعریف شده است؟

همه می‌دانیم چون بخش چشم‌انداز عمده اجراهای سال بعد تالارهای نمایش را مشخص می‌کند، باید ارتقای تئاتر کشور را چه به لحاظ محتوایی و چه از نظر مضمون و ساختار در نظر داشته باشد. در این بخش، برای ما هیچ ملاکی جز دستیابی به کیفیت برتر مطرح نبود. وقتی تئاتر در پرداخت و نوع نگاهش به مضمون از کیفیت برتری برخوردار باشد، نمی‌تواند درجا بزند. تئاتر نیاز به رشد دارد و باید در زمان رشد کند تا ارتقای تئاتر کشور از نظر محتوا و مضمون حاصل شود.

آیا توصیه‌ای برای هنرمندان و شرکت‌کنندگان جشنواره دارید؟ به یاد داشته باشیم که جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر یک رویداد مهم و بی‌نظیر در فعالیت‌های تئاتر کشور است و کلیت تئاتر ایران را در دید جهانیان قرار می‌دهد. در این جشنواره بسیاری از نمایندگان کشورهای دیگر حضور دارند و مستقیماً آثارمان را می‌بینند. در این گردهمایی بزرگ که آبروی تئاتر کشور به شما می‌رود، همه خانواده تئاتر باید برای هر چه بهتر برگزار شدن آن تلاش کنند.

عالی انتخاب را در این دوره چگونه می‌بینید؟

وقتی به عملکرد شورا در ماه‌های گذشته نگاه می‌کنم، با توجه به این‌که در مرحله بازبینی و بازخوانی یک گروه منسجم و از قبل مشخص شده آثار را مورد بازبینی و بازخوانی قرار می‌داد، تعدد و تضاد آرا در بخش‌های مختلف جشنواره نداشتیم. ۹ کارشناس تئاتری که در این هیأت حضور داشتند، هم متون را خواندند و هم آثار تولید شده را دیدند. می‌توان گفت که بین ۳ تا ۵ نفر برای هر بخش نظر داده‌اند.

در خصوص آثار خارجی انتخاب‌ها از روی اجرای زنده صورت گرفت؟

برای ارزیابی آثار خارجی از مرحله متن عبور کردیم و اجرا را مورد دقت قرار دادیم. در یک مرحله، اعضای شورا به صورت انفرادی فیلم اثر را دیدند و در مرحله بعد، به صورت گروهی آن را به تماشا نشستیم تا معیارها را یکی کرده، به نظر نهایی برسیم.

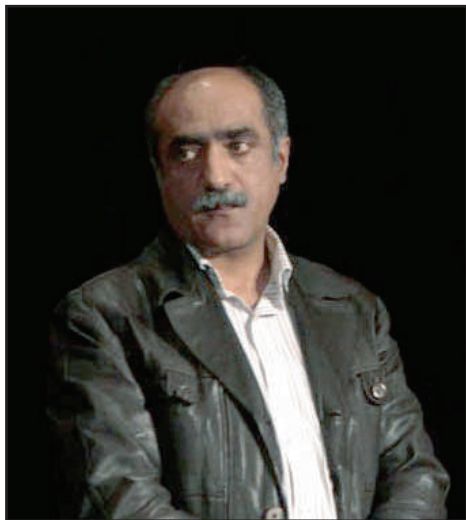
بخش چشم‌انداز جشنواره تئاتر فجر در پیچه‌ای به اجراهای سال آینده تئاتر باز می‌کند و به این ترتیب آن چه شورا انتخاب می‌کند، جهت و شکل آثار نمایشی سال آینده را مشخص خواهد

معیارهای شورای عالی انتخاب در بررسی بخش‌های مختلف جشنواره چه بود؟

شورای عالی انتخاب بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مانند سال‌های پیش، معیارهای مشخصی را برای انتخاب آثار در نظر داشت که نمی‌توانست با معیارهای انتخاب آثار جشنواره‌های گذشته تفاوت ماهوی داشته باشد؛ هرچند مسیر انتخاب از نظر ساختاری دارای تفاوت‌هایی بوده است. از جمله این‌که متن‌ها برای شرکت در هر بخش با معیارهای آن بخش ارزیابی شدند. بخش «تجربه‌های نو» با معیار قرار دادن نگاه نو به ساختار و مضمون و همین‌طور رعایت معیارهای یک نمایش تجربی، آثار را مورد ارزیابی قرار داد. در بخش چشم‌انداز، آثار نمایشی از نظر منسجم بودن متن، قدرت ساختار، پرورش شخصیت و توجه به استحکام اجرا ارزیابی شدند. روشن است که در بخش نمایشنامه‌خوانی نیز بدیع بودن نگاه و به روز بودن ساختار نمایشی متن مورد توجه دوستان بود.

به عنوان هنرمندی که سال‌ها برگزارای جشنواره‌های گوناگون را تجربه کرده‌اید، عملکرد شورای

ملاک انتخاب آثار در جشنواره امسال با جشنواره‌های گذشته تفاوت ماهوی ندارد ولی مسیر انتخاب از نظر ساختاری دارای تفاوت‌هایی با جشنواره‌های گذشته است



یکی از اقدام‌های بخش مسابقه عکس امسال در مقایسه با سال‌های گذشته، افزودن بخش میهمان بود که ۵ نفر از قدیمی‌ترین عکاسان تئاتر در آن شرکت دارند

دو سال متوالی است که با برپایی بخش مسابقه عکس تئاتر، مسئولیت برگزاری این بخش را بر عهده دارم. یکی از بزرگترین آرزوهایم این است که تمامی جشنواره‌های تئاتر ایران بخش مسابقه عکس داشته باشند.

زیرا شاهدیم که جشنواره‌های بسیاری با نگاه تخصصی‌تر در سال برگزار می‌شوند که توجهی به این بخش که آثار نمایشی را جاودانه می‌کند، ندارند. بنابراین، امیدوارم در هر جشنواره‌ای عکاسان تئاتر در رقابتی که به آن‌ها اختصاص دارد، شرکت کنند.

فراخوانی که از سوی دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر چاپ شده بود، مهلت ارسال آثار به بخش مسابقه عکس تئاتر را نیمه آذر اعلام کرده بود. بنابراین، باید از نمایش‌های مهر ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۸۸ عکاسی می‌شد. به این ترتیب ۲۸۸ قطعه عکس از ۶۳ عکاس به دستمان رسید که در روز ۲۵ آذر پس از جلسه داوری با حضور حمید جبلی، فنانه دادخواه و رضا معطریان، ۴۷ اثر از ۳۲ عکاس به بخش مسابقه راه یافت. ۶ کاندیدا در این بخش داشتیم که ۳ تن از آن‌ها جوایز اول تا سوم را دریافت خواهند کرد و ۲ نفر نیز تقدیر خواهند شد.

یکی از اقدام‌های بخش مسابقه عکس امسال در مقایسه با سال‌های گذشته، افزودن بخش میهمان بود که ۵ نفر از قدیمی‌ترین عکاسان تئاتر در آن شرکت دارند و از هر یک تنها ۵ قطعه عکس به نمایش درآمده است تا در پیچهای باشد برای مقایسه و درنگی کوتاه درباره نوع نگاه عکاسان پیشکسوت و جوان تئاتر.

اعتقاد دارم که عکاسان ما به رشد کافی رسیده‌اند و می‌توانند در عرصه بین‌المللی نیز مطرح شوند امیدوارم در آینده شاهد معرفی این هنرمندان در رقابتی بزرگ‌تر نیز باشیم.

امسال هم مانند سال گذشته کتابی با عنوان «قاب ۸۸» منتشر خواهیم کرد که در آن عکس‌های شرکت‌کننده در این جشنواره چاپ خواهند شد. امیدوارم تنها به فجر و سالی یک کتاب بسنده نکنیم و همان طور که در جشنواره تئاتر رضوی شاهد بودیم، در جشنواره‌های دیگر نیز کتاب عکس منتشر شود. اگر بخش اندکی از هزینه‌ای که برای یک جشنواره می‌شود به چاپ عکس اختصاص یابد، به‌زودی مجموعه‌ای از بهترین یادگارهای هنری را در اختیار خواهیم داشت که می‌تواند هدیه‌ای ارزشمند نیز برای میهمانان خارجی و شرکت‌کنندگان جشنواره باشد. به یاد داشته باشیم که عکس‌ها بهترین سفیران فرهنگ هر کشورند.

عکس‌های بخش میهمان جشنواره، دریچه‌ای است برای مقایسه و درنگی کوتاه درباره نوع نگاه عکاسان پیشکسوت و جوان

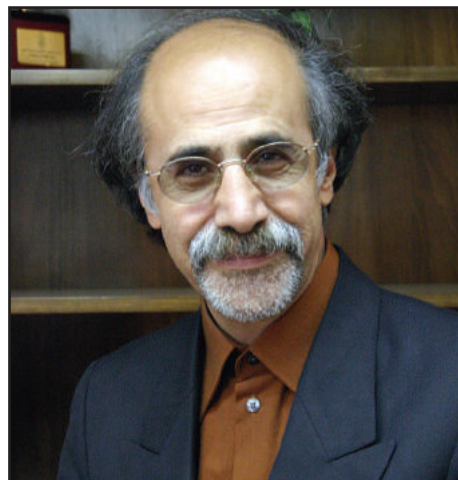
سیامک زورودی، مسئول بخش مسابقه عکس تئاتر:

عکس‌ها، بهترین سفیران فرهنگی کشور

در این جشنواره تئاتر فجر که در سال ۶۱ برگزار شد، من به عنوان داور بخش شهرستان‌ها، منتقد و نویسنده حضور داشتم. همان سال برای اولین بار مطلبی در روزنامه کیهان آن روز که جزو اندک روزنامه‌های فعال آن زمان بود، نوشتم و به تفاوت‌های جشنواره تئاتر فجر با جشنواره‌های پیشین اشاره کردم.

از آن روز تا کنون، بارها به عنوان داور و منتقد، جشنواره را رصد کرده‌ام. امسال نیز در شورای عالی انتخاب، آثار بخش تجربه‌های نو و چشم‌انداز را دیدم. اولین دوره جشنواره تئاتر فجر در شرایطی برگزار شد که تازه انقلاب شده بود و کشور با شروع جنگ تحمیلی در فضایی کاملاً متفاوت حتی نسبت به دو سال اول انقلاب قرار گرفته بود. در سال‌های اولیه انقلاب، بهترین آثار انقلابی جهان به صحنه کشیده شد و هنرمندان کوشیدند ضرورت‌های این مقطع از شرایط اجتماعی را منعکس کنند. من هم در نقدی که درباره این جشنواره نوشتم، به این شور انقلابی و تفاوت فضای جشنواره با جشنواره‌های پیش از انقلاب اشاره کردم.

به تدریج، با فرزاد و فرودهایی که جامعه در این سال‌ها داشت، تئاتر فجر نیز نشیب و فرازهای بسیاری را پشت سر گذاشت که لاجرم در آثار نمایشی منعکس شده است. بنابراین هر دوره از جشنواره لزوماً منعکس‌کننده این فراز و فرودها بوده است. در جشنواره بیست و هشتم تئاتر فجر هم بنا به ضرورت، آثاری به صحنه می‌روند که بتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه و هنر باشند.



در سال‌های اولیه انقلاب، بهترین آثار نمایشی انقلابی جهان به صحنه کشیده شد

مثلاً در سال‌های ۷۰ تا ۷۴ که قشری از جوانان پرشور و تحصیل‌کرده پشت در تئاتر حرفه‌ای مانده بودند، پاسخ به مطالبات این قشر ضرورت پیدا کرد و به ناکاه شاهد هجوم آثاری با زیبایی‌شناسی و تجربه‌های جدید بودیم. آن دوره را می‌توان دوره توسعه گمی نامید. در سال‌های انتهایی این دهه، افزایش سال‌های تئاتر در پاسخ به تقاضای این نسل از راه رسیده اتفاق افتاد.

از سال ۸۲ به بعد، ضرورت‌های دیگری پیش آمد که مهم‌ترینش توسعه کیفی و وجه عمده آن در ارتباط با مخاطب و توسعه تئاتر بود. به دنبال این بود که همایش آیین‌های عاشورایی و جشنواره تئاتر رضوی به منظور ارتباط بیشتر با آحاد مردم شکل گرفت تا تئاتر از حد قشر دانشگاهی فراتر رفته، همه مردم را بگیرد و ...

اما اگر بخواهم از این دید جشنواره امسال را مورد ارزیابی قرار دهم، باید به طیف گسترده‌ای از آثار در گونه‌های مختلف نمایشی اشاره کنم؛ آثاری که مسائل خانوادگی و مشکلات اجتماعی را بررسی می‌کنند یا سبقت تاریخی و احیای تئاتر ملی را سرلوحه کارشان قرار داده‌اند. جشنواره بیست و هشتم از این نظر با همه جشنواره‌های گذشته تفاوت دارد.

همین تنوع گستردگی را در میان هنرمندان شرکت‌کننده نیز می‌توان دید. بنابراین نمایشی که کارگردان آن بین ۱۸ تا ۲۰ سال دارد را در کنار آثاری از پیشکسوتان کارکننده تئاتر و نسل میانه می‌بینیم. در نتیجه، محور جشنواره امسال را تنوع و گستردگی در موضوعات و آدم‌ها باید دانست.

فرشید ابراهیمیان، عضو شورای عالی انتخاب:

آثاری که پاسخگوی نیازهای جامعه و هنر هستند

نیما دهقان، کارگردان نمایش «خنکای ختم خاطره»:

گرفتار موانع در فضاهاى خالی



نیما دهقان امسال برای دومین بار با نمایش «مادر مانده» در جشنواره روهر آلمان شرکت کرد. این تهیه‌کننده تلویزیون و نویسنده و کارگردان تئاتر که از سال ۸۰ و با نمایش «گفتار به توان ۲» وارد فضای حرفه‌ای تئاتر ایران شد، امسال با نمایش «خنکای ختم خاطره» در بخش مرور و مسابقه بین‌المللی جشنواره حضور دارد. این نمایش به داستان شهیدی می‌پردازد که اجازه یافته پس از ۲۵ سال به زمین و نزد زندگان بازگردد به شرط آن که بر کره خاکی سخنی نگوید. با زنده شدن این شهید خانواده‌های زیادی مدعی می‌شوند که این شهید زنده شده متعلق به آنان است. «خنکای ختم خاطره» نقی، به زندگی این خانواده‌ها و مشکلات آنان می‌زند. دهقان در گفت‌وگوی پیش‌رو از همکاری‌اش با حمیدرضا آذرنگ (نویسنده) و نحوه طراحی صحنه، نور و ساخت موسیقی این نمایش می‌گوید و در نهایت، در ارتباط با نمایش‌هایی که به مضامین دفاع مقدس می‌پردازند، نکاتی را یادآور می‌شود.

دو سالی است که با حمیدرضا آذرنگ همکاری می‌کنید و ظاهراً به یک تفاهم کلی رسیده‌اید؛ تفاهمی که رسیدن به آن در فضای هنری ایران کمی سخت است. در ابتدا، کمی پیرامون این تفاهم صحبت کنید.

من سال ۸۳ با حمیدرضا آذرنگ آشنا شدم. فکر می‌کنم همه می‌دانند که آذرنگ یک نویسنده خوب و مسلط است، دلیلی که باعث شد ما کنار هم باشیم و ارتباط و دوستی‌مان محکم و محکم‌تر شود. این است که ما به لحاظ سلیقه و طرز تفکر اصلاً شبیه هم نیستیم و من این را یک حسن می‌دانم. او عقاید و طرز تفکر خود را دارد و من هم بر اساس اصول خود فکر می‌کنم. یکی از حسن‌های این همکاری این است که می‌نشینیم و به حرف هم گوش می‌دهیم و گزینه خوب را انتخاب می‌کنیم. فکر می‌کنم دو نفری که با هم همکاری مشترک دارند، لازم نیست تفکرشان شبیه هم باشد. در کار گروهی این که کنار هم بنشینیم و به حرف یکدیگر گوش دهیم، بسیار مهم است. این خصلتی است که در من و آذرنگ وجود دارد.

نمایش «خنکای ختم خاطره» از نظر حس بسیار تأثیرگذار است و این موضوع در تقابل با تکنیک اجرایی آن است. برای مثال، شما از تکنیک فاصله‌گذاری استفاده کرده‌اید که در نهایت به دنبال تأثیر احساسی نیست. با توجه به این که در نهایت برای تماشاگر همان تأثیر حس می‌ماند، این تقابل را چگونه تفسیر می‌کنید؟

قاطعانه می‌گویم ۹۵ درصد از موفقیت نمایش به متن آذرنگ برمی‌گردد. وقتی متن خوب باشد، این اجازه را به کارگردان می‌دهد که جریان سیال ذهنش را به حرکت وا دارد. نمایش از فضای خیالی آغاز می‌شود و این اجازه را به گروه نمایشی می‌دهد که وارد فضای غیرمتعارف و انتزاعی بشود. این یک بخش ماجراست. بخش دیگر ماجرا این است که گروه ما می‌خواست در پیچه نگاه تماشاگر را عوض کند، یعنی ذهنش را از کلیشه‌هایی که رایج است، خارج نماید و سطح توقعش را از اینگونه فضاها بالا ببرد. مهم‌ترین ویژگی که متعلق به بخش کارگردانی است، این است که تماشاگر در مورد اثر کشف و شهود کند. ما حتی حق انتخاب، نظر و داوری خودمان را هم اعمال نمی‌کنیم، یعنی تلاش می‌کنیم نمایش یکدست باشد. همه یک رنگ‌اند و در یک فضای مشخص با هم بازی می‌کنند. این که نمایش بالقوه در خوانش هم بتواند تأثیرگذار باشد، لازمه‌اش این است که بعد چهارم ذهن تماشاگر را قوی کنیم که صرف لحظه‌های خنده و گریه نباشد. چه می‌شود که در یک فضای مفید و خالی ما کم‌کم به مانع‌هایی نزدیک می‌شویم که در آن گرفتار می‌گردیم. این نباید فقط صرف دیالوگ باشد، بلکه باید به تصویر هم کشیده شود. در این ماجرا، ما داوری هم نمی‌کنیم، یعنی آن قضاوتی که در نمایش‌های دفاع مقدس وجود دارد که حاجی و سید را با رنگ روحانی مشخص می‌کنند و دشمن را با رنگ دیگر، این هم نباید باشد. ما همه عین هم هستیم، اما آنچه که ما را تفکیک می‌کند؛ عملی است که انجام می‌دهیم. پس ما بر آدم‌ها تأکید داریم.



است که این مازها را برای ما به وجود می‌آورد. من این ایده را به منوچهر شجاع گفتم و این که ما باید یک آشنایی‌زدایی کنیم. در نهایت، به این طرح رسیدیم که دو کاربرد داشت: یکی به‌صورت انتزاعی فضای بازی آدم‌ها را می‌ساخت و دوم این که کارکرد محتوایی و معنایی داشت. سه شاخصه آشنایی‌زدایی، غیر متعارف و نو و بکر بودن در این گونه نمایش‌ها برای من مهم است.

نمایش شما از اندک آثاری است که طراحی نور و موسیقی در آن شخصیت دارد. آیا قبل از به صحنه بردن اثر به این موضوع فکر کرده بودید یا در روند اجرا به آن رسیدید؟

بله، درست اشاره کردید. این اعتقاد شخصی من است که نور و موسیقی در راستای کمک به تئاتر نیستند، بلکه باید به عنوان شخصیت‌هایی در نمایش حضور داشته باشند. من دو مقوله نور و موسیقی را چیز جداشده‌ای از تئاتر نمی‌دانم. مثلاً از فرشاد فزونی (آهنگ‌ساز نمایش) توقع داشتم اگر به چیز جدیدی رسید، اجرا کند. کسانی که ما من در زمینه نور کار کرده‌اند می‌دانند که مثل یک بازیگر ممکن است در شی به یک لحظه و یک آن برسیم. اما در نهایت، می‌گویم تمام عناصری که در نمایش هستند مثل نور و موسیقی را کنار بگذاریم. همه این‌ها اگر به ما کمک کنند در ساختن اتمسفر نمایش به کار می‌آیند. این نوع فضا و اتمسفر برای من مهم است.

آدم‌های جنگ می‌سازد. بعد ما ایرانی‌ها با هزار تومان این فیلم را می‌خریم از آن لذت می‌بریم اما چه شد که تعدادی از هموطنان ما ۸ سال جنگیدند ولی الان سرنوشت آنها خصوصیت و تیرینی پیدا کرده و پرداختن به آن صرفاً برایمان تبدیل به یک بیان کاری شده است.

چرا نسل امروز ما با این آدم‌ها نمی‌تواند ارتباط برقرار کند؟ این موضوع برای من یک تراژدی بوده است.

برایم خیلی مهم است که نسل امروز با این آدم‌ها و این نمایش ارتباط برقرار کند. این دغدغه کل گروه بوده که بگوییم نباید از این آدم‌ها فاصله بگیریم زیرا این‌ها بخشی از هویت ما هستند.

ایده طراحی صحنه نمایش به صورت مجزا هم قابل بحث است، آیا در نمایش «خنکای ختم خاطره» می‌خواستید فقط آشنایی‌زدایی کنید؟

من اصلاً دوران جنگ را ندیده‌ام که از آن فضا تأثیر بگیرم. دنیای این آدم‌ها برای من مبهم بود. نمی‌توانستم آن را بفهمم. یاد خاطره‌ای از ژان پل سارتر افتادم که راجع به برخی آدم‌های پولدار بود که داخل مجموعه‌ای از مازها گیر می‌کنند. دنیای این آدم‌ها این بود که داخل دالان‌هایی گیر کرده‌اند. خود من هم داخل این دالان گیر کرده بودم. نسل امروز ما هم داخل آن‌ها گیر کرده است. خودمان وارد آن شدیم و الان راه خروج را پیدا نمی‌کنیم و این مارپیچ‌ها روز به روز بیشتر می‌شوند. روند اتفاقی‌ها و قصه‌ها

نگاه واقع‌گرایانه به آدم‌های جنگ از چه ضرورتی می‌آید؟ آیا آدم‌های نمایش شما انسان‌هایی فراموش شده‌اند و یا دغدغه این شخصیت‌ها می‌تواند به ما کمکی کند؟

اصلاً اعتقاد ندارم که ما گونه یا ژانری به نام دفاع مقدس داریم. روی این مساله پافشاری هم می‌کنم. نمایشی کار شود که موضوع آن در مورد آدم‌هایی باشد که در جنگ بوده‌اند، این نه ژانر است نه گونه. مخاطب امروز، انسان شورمند و آگاهی است. این‌طور نیست که به او بگوییم تو

در طراحی صحنه اینگونه نمایش‌ها سه شاخصه آشنایی‌زدایی، غیرمتعارف بودن و فضای بکر برای مهم است. نتیجه آن نیز در فضای بازی و محتوا دیده می‌شود

حق انتخاب نداری و این خوب است و آن بد. بنابراین، باید همه چیز را به‌طور مساوی جلوی او بگذاریم و او بگوید خوب و بد چیست. خیلی از کسانی که در حوزه تئاتر دفاع مقدس کار می‌کنند، به تکلیف خود می‌اندیشند و حق انتخاب به تماشاگر نمی‌دهند. همیشه برایم این دغدغه بوده که آمریکا جنگی را در کشوری راه می‌اندازد تا جنگ در کشورش نباشد. خودش حمله می‌کند و بعد هزینه می‌کند و فیلم «نجات سرباز رایان» را در نکوهش



مروری بر آثار برگزیده بخش تولید متون

نمایش‌هایی که خوانش‌می‌شوند

گزینش آثار برگزیده گفت: ابتدا در کنار ۶ عنوان برگزیده تولید متون، بنا به حضور ۴ اثر برتر از سومین دوره مسابقه ادبیات نمایشی بود که از آن میان تنها یک نمایش «تهران ۱۳۹۰ خورشیدی» به تشخیص شورای عالی انتخاب به این بخش راه یافت. وی افزود: پس از اعلام اولیه ۶ اثر برگزیده، ۲ اثر دیگر به نام‌های «دبستان دوشیزگان» و «ناشنوایی» در زمره آثار حاضر قرار گرفت و با یک اثر مهمان «حافظه خفاش» در مجموع از ۱۰ اثر حاضر، ۹ اثر برای خوانش روزانه در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شهر رأس ساعت ۱۵ نهایی شد. خوانش به ترتیب به قرار زیر است:

نمایشنامه
«ناشنوایی»
نویسنده
سروش
قاسمیان نیز
به عنوان
اثر شایسته
حمایت برای
چاپ از
سوی شورای
عالی انتخاب
معرفی شده
است

«آریاب هارولد و پسرها» (۲ بهمن)، «تهران ۱۳۹۰ خورشیدی» (۳ بهمن)، «دبستان دوشیزگان» (۴ بهمن)، «تاک‌های بلور» (۵ بهمن)، «درقاب‌های تمام‌قد» (۶ بهمن)، «دوست من عمو بیلی» (۷ بهمن)، «امینه» (۸ بهمن)، «این همان کلمه است» (۹ بهمن) و «حافظه خفاش» (۱۰ بهمن).

آثار حاضر در این بخش توسط انتشارات اداره کل هنرهای نمایشی چاپ و منتشر شده است.

نمایشنامه
«تهران ۱۳۹۰
خورشیدی»
نویسنده سلما سلامتی و
«حافظه خفاش» نویسنده
فریبا ثمر به عنوان
مهمان در این بخش
حضور دارند



مهدی محمدی، «دوست من عمو بیلی» به نویسندگی و کارگردانی حمیدرضا صفا، «این همان کلمه است» به نویسندگی و کارگردانی سعید شاپوری، «تهران ۱۳۹۰ خورشیدی» نوشته سلما سلامتی و به کارگردانی پریرا مقتدی، «دبستان دوشیزگان» به نویسندگی و کارگردانی شکوفه آروین و «حافظه خفاش» به نویسندگی و کارگردانی فریبا ثمر ۱۹ اثر حاضر در این بخش‌اند. نمایشنامه «ناشنوایی» نوشته سروش قاسمیان نیز به عنوان اثر شایسته حمایت برای چاپ از سوی شورای عالی انتخاب معرفی شده است.

همچنین از میان ۹ اثر برگزیده، نمایشنامه «تهران ۱۳۹۰ خورشیدی» نوشته سلما سلامتی به عنوان اثر برگزیده سومین دوره انتخاب اثر برتر ادبیات نمایشی و «حافظه خفاش» نوشته فریبا ثمر به عنوان مهمان در این بخش حضور دارند.

محمد حسین ناصر بخت، مسئول «بخش تولید متون»، نمایشنامه‌خوانی و پژوهش» درباره

بخش تولید متون از جمله بخش‌هایی است که در سال‌های اخیر به بدنه جشنواره‌های تئاتر کشور پیوست شده و هدف اصلی آن حمایت از تولید نمایشنامه‌های فاخر و جبران بخشی از نیاز تئاتر کشور به نمایشنامه‌های شایسته برای اجراست. صد البته، خاستگاه اصلی این بخش به جشنواره تئاتر فجر برمی‌گردد. بر اساس این رویکرد، در این دوره نیز در پی انتشار فراخوان، آثار متعددی به دبیرخانه بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر رسیده که بنابر ظرفیت پیش‌بینی شده، ۱۹ اثر به جشنواره راه یافت. وظیفه انتخاب و پذیرش نهایی متون بر عهده شورای عالی انتخاب بوده است که مسئولیت آن را محمدحسین ناصر بخت برعهده دارد.

«امینه» به نویسندگی و کارگردانی علی شمس، «تاک‌های بلور» نوشته رضا شیرمرز با کارگردانی هوشنگ فضل، «آریاب هارولد و پسرها» نوشته آنول فوگارد با ترجمه داوود زینلو و کارگردانی رهام مخدومی، «درقاب‌های تمام‌قد» نوشته سپیده خمسه‌نژاد با کارگردانی

شهرام کریمی، کارگردان نمایش «بلوط‌های تلخ» و مسئول بخش خیابانی:

تئاتر خیابانی، مستقل از تئاتر جهان

تئاتر خیابانی یکی از بخش‌های جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است که سال‌ها از برگزاری آن در این مناسبت می‌گذرد. اگرچه همواره بحث‌های متفاوتی در خصوص آن مطرح بوده است، اما این نوع از تئاتر به واسطه گستردگی مخاطبان و محل‌های اجرا، یکی از مهم‌ترین بخش‌های جشنواره به شمار می‌رود. شهرام کریمی، مسئول بخش تئاتر خیابانی جشنواره تئاتر فجر امسال، این دسته از نمایش‌ها را آثاری مردمی می‌داند که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با کریمی در خصوص کم و کیف آثار بخش خیابانی جشنواره و کارگردانی نمایش «بلوط‌های تلخ» به گفت‌وگو نشستیم.

اهمیت بخش خیابانی جشنواره تئاتر فجر را در چه می‌بینید؟

چند سالی است که بخش تئاتر خیابانی جزو بخش‌های اصلی جشنواره تئاتر فجر تلقی می‌شود. این بخش یکی از مردمی‌ترین بخش‌های جشنواره است که به معنی واقعی، مخاطبان تئاتر و عموم مردم را با خود همراه می‌سازد. در چند سال گذشته،

بهترین نمایش‌های خیابانی دنیا به جشنواره آمده‌اند و امسال نیز از دو کشور خارجی آثاری در جشنواره به اجرا درمی‌آید. اجرای نمایش‌های خیابانی در محوطه‌های عمومی، این تئاتر را به تئاتر غیررسمی بدل می‌کند که عموم مردم می‌توانند بدون روبرو شدن با محدودیت‌های معمول در تالارهای نمایش، از جمله در زمینه تهیه بلیت،

تئاتر خیابانی ویژگی فراگیر کردن تئاتر را دارد و هر چه از گروه‌های فعال در این عرصه حمایت بیشتری شود، به معرفی تئاتر کمک بیشتری خواهد شد

در «بلوط‌های تلخ» سعی در رسیدن به تحلیلی از یک موقعیت نمایشی دارم که متکی بر شخصیت‌ها، رفتار و عملکردهای آنها است

طرفیت تالار و مسأله وقت، از آن‌ها دیدن کنند. به این نکته نیز توجه داشته باشید که در تئاتر رسمی، گاه یک اثر نمایشی برای مخاطبانی خاص تولید و اجرا می‌شود، اما در تئاتر خیابانی این اتفاق نمی‌افتد.

آیا در این بخش نسبت به سال گذشته، شاهد اتفاق‌های تازه‌تری خواهیم بود؟

امسال، تئاتر خیابانی در سه بخش برگزار می‌شود؛ یک بخش به گروه‌های برگزیده جشنواره تئاتر خیابانی مربوط است که بزرگترین جشنواره تئاتر خیابانی کشور به شمار می‌رود، اختصاص دارد. بخش دیگر مربوط به آثار بین‌المللی و یک بخش نیز ویژه موضوع‌های انقلاب اسلامی و شعار اصلاح‌گویی مصرف است. تنها آثار راه‌یافته به بخش ویژه در رقابت حضور خواهند داشت و دو بخش دیگر به صورت غیررقابتی برگزار می‌شوند.

به عنوان هنرمندی که مدت زمانی نیز به عنوان مدیر دفتر تئاتر خیابانی فعالیت داشته‌اید، وضعیت تئاتر خیابانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بارها این نکته را مطرح کرده‌ام که تئاتر خیابانی ویژگی فراگیر کردن تئاتر را دارد و هر چه از گروه‌های فعال در این عرصه حمایت بیشتری بشود، به معرفی تئاتر کمک بیشتری خواهد شد. آن‌چه اهمیت دارد این است که تلاش گروه‌های خیابانی با خلاقیت و نوآوری همراه است. از این نظر کشور ما در مقایسه با دیگر کشورهای جهان یک تئاتر مستقل و قابل بررسی دارد. امیدوارم شرایطی برای هنرمندان و گروه‌های خیابانی پیش بیاید که با توجه بیشتر مسئولان، رشد بهتری داشته باشند.

شما به عنوان کارگردان در بخش چشم‌انداز نیز حضور دارید.

بله، من نمایش «بلوط‌های تلخ» را برای این بخش آماده کرده‌ام. در این نمایشنامه که از نوشته‌های خود من است، اتفاقات واقع شده برای یک خانواده طی چند دهه را نشان داده‌ام. باید خاطر نشان کنم اجرای فعلی یک اجرای متفاوت و با تغییرات زیاد نسبت به نمایشنامه‌ای است که بهار امسال منتشر شد. شیوه اجرایی را تغییر دادم و متن را دوباره و دوباره نوشتم. بیشتر از ۳ بار این نمایشنامه را در روند تمرین بازنویسی کردم. خوشبختانه، گروه هم این تغییرات را به خوبی پذیرفت و با آن همراهی کرد. امروز که به اجرا نگاه می‌کنم، از آن راضی هستم.

بازنویسی‌های متعدد برای رفع نقایص متن بود یا اجرا؟

نمایشنامه از ۱۲ صحنه تشکیل شده بود که در تمرین‌ها آن را به هفت صحنه تبدیل کردم. معتقدم نمایشنامه مکتوب برای یک اجرای موفق، نیاز به یک کارگردان مستقل دارد. با این که با چاپ آثاری به عنوان نمایشنامه‌نویس شناخته شده‌ام، اما در این اثر، برای اولین بار کوشیده‌ام جدا از متن، یک طراحی مستقل برای کارگردانی داشته باشم. راحت‌ترین کار این است که برداشت اولیه‌مان از متن را اجرا کنیم، اما مفهوم کارگردانی و طراحی مستقل این است که کارگردان به عنوان مؤلف دوم بتواند اثری متفاوت را خلق کند.

در چند اثر اخیرتان، نوعی از تئاتر روایی را به نمایش گذاشته‌اید؛ آیا در شیوه اجرایی «بلوط‌های تلخ» نیز این مسیر را ادامه داده‌اید یا خیر؟

رویکرد من در شکل اجرایی این متن نیز روایی است. احساس کردم شیوه نمایش ایرانی که در آن روایتگری است، با مخاطب ایرانی آشنایی بیشتری دارد. در این نمایش، با رویکرد تئاتر اپیک سعی در رسیدن به تحلیلی از یک موقعیت نمایشی دارم که متکی بر شخصیت‌ها، رفتار و عملکردهای آنها است. در واقع، تحلیلی بر روابط آدم‌های یک خانواده است.

این رویکرد در طراحی صحنه چگونه متبلور شده است؟ در همه اجزای نمایش از موسیقی گرفته تا طراحی صحنه و لباس و حتی شیوه بازیگری، به نوعی گزاره‌گرایی رسیده‌ام؛ نوعی زبان موجز با طراحی ساده و مختصر و موقعیت‌های نمایشی ساده و بدون پیچیدگی‌های خاص. همه این‌ها به گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند که مخاطب با دیدن آن‌ها به یک تحلیل ذهنی که از خود نمایش حاصل شده است، می‌رسد.

گروه شما امسال چند اثر در جشنواره دارد؟

گروه «شایا» امسال با سه نمایش در جشنواره است: «لیبرشاه» کار آرش دادگر در بخش بین‌الملل، «فیل» کار بهناز نازی در بخش مهمان و «بلوط‌های تلخ» من در بخش چشم‌انداز. بیشتر عوامل نمایش من از اعضای گروه تئاتر «شایا» هستند.

آیا در طول تمرین‌ها، گروه شما تغییراتی کرد؟

در مراحل مختلف تغییرات متن، بازیگران زیادی ما را همراهی کردند که امروز در جشنواره نیستند و من وظیفه دارم از آن‌ها برای تلاششان تشکر کنم از جمله از آرش نودری، کورش زارعی، بهناز ذبیحی و ایمان مودنی.



«یکی مثل همه» به کارگردانی کتیون حسین‌زاده

فرصتی برای گفت‌وگو در پیری



«یکی مثل همه» به هیچ جغرافیا، تاریخ و فرهنگی وابسته نیست. به همین دلیل، پیامی جهانی دارد و در هر زمان و مکانی می‌تواند اجرا شود. این نمایش داستان زن و شوهری است که پس از ۲۰ سال زندگی مشترک، الان فرصتی برایشان پیش آمده تا به سفری بروند. آن‌ها در این سفر مسائلی را مطرح می‌کنند که تا پیش از این فرصت پرداختن به آن‌ها را نداشته‌اند.

کتیون حسین‌زاده، نویسنده و کارگردان «یکی مثل همه»، در پایان، نظر قطعی درباره این رابطه صادر نمی‌کند و قضاوت را به خود مخاطب می‌سپارد. بنابراین، هر کسی یک جور برخورد می‌کند، شاید یکی همه چیز را کتمان کند و به زندگی خانوادگی‌اش ادامه بدهد؛ ولی بعضی خلاف این عمل کنند و ...

از آن‌جا که ساختار متن براساس دیالوگ‌ها بسته شده است، عمل و واکنش‌ها درون دیالوگ‌ها رخ می‌دهند. هر صحنه به صحنه قبل و هر دیالوگ به دیالوگ قبل‌تر وابسته است و همین خود زمینه ایجاد یک اثر خوش‌ساخت را فراهم کرده که به لحاظ سبکی به

رنالیسم نزدیک‌تر است. اما از آن‌جا که قید زمان و مکان در آن زده شده، به لحاظ اجرایی به سمت رئالیسم نرفته و از جزئیاتش هم کاسته شده است. این در حالی است که بازی‌ها کاملاً رئالیستی‌اند. در طراحی صحنه منوچهر



این نمایش به هیچ جغرافیا، تاریخ و فرهنگی وابسته نیست، به همین دلیل پیامی جهانی دارد و در هر زمان و مکانی می‌تواند اجرا شود

شجاع یک هتل را طراحی کرده که در آن جغرافیا و زمان لحاظ نشده است. حتی معلوم نیست این هتل چند ستاره دارد. از آن‌جا که تأکید بر این است تا یک فرصت برای گفت‌وگوی دوفره فراهم شود، طراحی صحنه نیز به سمت تئاتر یکالیته شدن حرکت کرده است. لباس‌ها هم کاملاً معمولی و روزمره هستند. آن‌ها بر اساس تیپ شخصیت‌ها طراحی شده‌اند. موسیقی و افکت در «یکی مثل همه» حذف شده است. به این دلیل که لزومی برای استفاده از آن نبوده است. این در حالی است که حسین‌زاده متن را به ۱۳ بخش تقسیم نموده و این کلیت را در ذهن خود مانند یک موسیقی کلاسیک فرض کرده است. همین امر عاملی برای ایجاد یک موسیقی درونی در بازی‌ها شده است.

نور هم توسط منوچهر شجاع و بر اساس طراحی صحنه تنظیم شده است. نور برای فضا سازی‌ها به کار گرفته می‌شود و در واقع، غیر معمول هم نیست.

بهرام شاه محمدلو و پریزاد سیف که در نمایش «یکی مثل همه» بازی می‌کنند، هر کدام از سابقه چندین ساله در تئاتر برخوردارند.

قراردادهای خود را با آن‌ها در میان بگذارد.

در این نمایش، حسین محب‌اهری، اکبر رحمتی، سوسن مقصدلو، نسیم ادبی، امیر کرلایی زاده، اشکان صادقی و کیومرث قنبری آذر بازی می‌کنند. آن‌ها علاوه بر ارائه قراردادهای، به رئالیته نیز توجه داشته‌اند. بار این قراردادهای روی طراحی صحنه نیز افتاده است که رضا شاپورزاده، آن را انجام داده و یک بخش نیز مربوط به طراحی نور رضا خضری است.

علاوه بر این، آنان در فواصل میان صحنه، با توجه به طراحی نور و بازی به دنبال برقراری یک ضرباهنگ درست بوده‌اند تا از زمان‌های مرده نیز به نفع اجرا بهره برداری کنند. رویا مظفری، استاد دانشگاه که بسیاری از طراحان لباس دانش‌آموخته اویند، با ظرافت خاصی لباس‌های این نمایش را طراحی کرده است. محسن میرزایی نیز برای این نمایش موسیقی ساخته است که در مواقع ضروری از آن استفاده می‌شود.

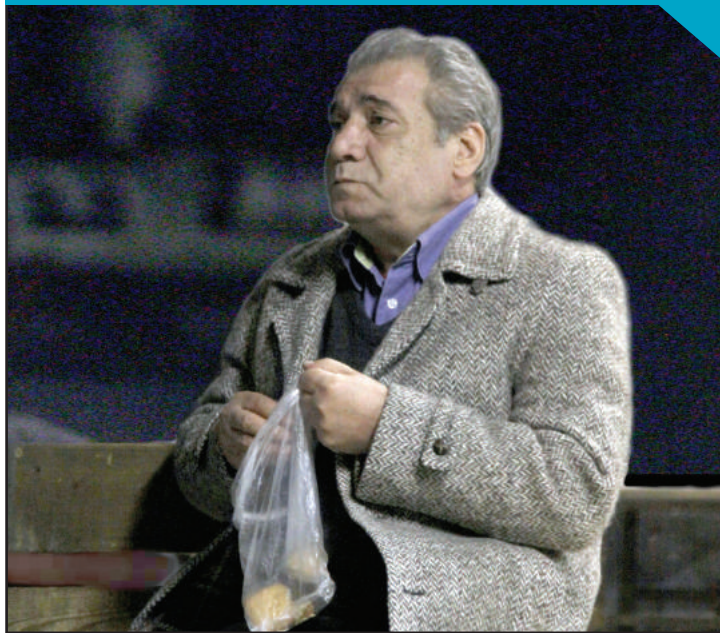
شاید یکی از موارد کاربردی موسیقی، نقش داشتن در ضرباهنگ نمایش باشد و ضرباهنگ بین صحنه‌ها از این طریق حفظ می‌شود.

غرب از جایگاه سرفرازانه‌ای برخوردار است، عاملی شده تا سیمین امیریان نیز به مطالعه و تعمق در آثار این بزرگمرد جاودانه ایرانی بپردازد. مولوی بیش از ۶۰ هزار بیت شعر در طول عمرش سروده و این سرودن‌ها تا لحظه وداعش با هستی ادامه یافته است. او حرفی برای گفتن داشته است؛ حرفی برای مردم کوچه و بازار که برای امیریان نیز تازگی پیدا کرده است. یکی از این حرف‌ها «وحدت» است. این که همه از یک کل واحد هستند و برای همین بر هم تأثیر می‌گذارند.

امیریان در متن نیز به ساختار شرقی توجه چشمگیری داشته است. این نکته بارز در متن، در زمینه اجرا نیز مددکار او در نقش کارگردان و تمامی نقش‌آفرینانش بوده است. تنها نکته‌ای که در اجرا باید به آن رسیدگی می‌شد، پرداختن به شکست زمانی بوده تا چیدمان اپیزودها منطقی‌تر به نظر آید. سه اپیزود که در سه مکان متفاوت شکل می‌گیرند، از طریق قراردادهای تئاتری به هم پیوند می‌یابند. دیوید ممت در این زمینه معتقد است به محض ورود تماشاگران به سالن، باید گروه اجرایی

«کهربا» به نویسندگی و کارگردانی سیمین امیریان

همه‌ما یکی هستیم



سه اپیزود نمایش «کهربا» که در سه مکان متفاوت شکل می‌گیرند، از طریق قراردادهای تئاتری به هم پیوند می‌خورد



نمایش «کهربا» درباره تأثیرگذاری آدم‌ها بر یکدیگر است. در سه اپیزود که به صورت تو در تو به هم ربط پیدا می‌کنند، زندگی چند خانواده و روابط دوستانه آدم‌ها را مرور می‌کنیم. در نمایش اول، دو پسر دانشجویی که ادبیات فارسی می‌خوانند در یک خانه دانشجویی با هم زندگی می‌کنند، آنها درباره تحصیل و مسائل خود با هم حرف می‌زنند. در نمایش دوم، زندگی یک دختر و مادر بدون پدر را می‌بینیم. مادر از پا عاجز است و دختر مجبور است که کار کند تا مخارج زندگی‌شان تأمین شود. این دو با آن که به هم وابسته‌اند، اما گاه باعث آزار و اذیت همدیگر نیز می‌شوند. در نمایش سوم، دو پیرمرد در یک پارک درباره زندگی و افتخارات گذشته‌شان حرف می‌زنند تا اینکه پای رازی به میان کشیده می‌شود و ...

سیمین امیریان در «کهربا» می‌خواهد به زیربنای فرهنگی جامعه‌اش بپردازد. او در پی بیان ریشه‌ها و مسائل عمیق انسانی است و می‌کوشد در این زمینه نگاهی جهان‌شمول داشته باشد. امیریان اعتقاد دارد که همه آدم‌ها از یک وجودند و اگر همه به این نکته پی ببرند، آرامش در زندگی‌شان موج خواهد زد. این که مولوی امروز در دنیای



روزی، محله‌ای، روزگاری / عکس: ناصر عرفانیان



روسمرسهلم / عکس: میلاد پیامی



تلاطم امواج / عکس: مانی لطفی زاده



آغاز نمادین جشنواره / عکس: مانی لطفی زاده



خاطره فروشی / عکس: مانی لطفی زاده



طبقه همکف / عکس: رئوفه رستمی



نمایشگاه عکس و پوستر / عکس: حسن هندی



بازار بین الملل تئاتر / عکس: حسن هندی



اجرای نمایش‌های خیابانی محوطه تئاتر شهر / عکس: حسن هندی

پرده خوانی انقلاب / عکس: احمد نشان



بازار بین‌الملل تئاتر / عکس: مانی لطفی‌زاده



۱۷ دی کجا بودی؟ / عکس: رضا معطریان



توهّم تک‌بعدی / عکس: احمد نشان



لیبرشاه / عکس: میلاد پیامی

کفترطلا / عکس: مانی لطفی‌زاده





زمانی که زمان می‌ایستد

تائیا میر مطهری، نویسنده و کارگردان «حباب شیشه»

درام به کار آمد
ساختن یک
بود که برای
و این چیزی
قرار گرفت
مورد توجه
دو وجهی او
شخصیت
پلات،
اشعار سیلوپا
در مطالعه



از دواج و زندگی عاشقانه تدهیوز و سیلوپا پلات روزها و سال‌ها ورد زبان اهالی ادبیات در پاتوق‌های گوناگون ادبی در تمام جهان بود. این دو شاعر بلندآوازه انگلیسی‌زبان بهترین‌های خود را برای یکدیگر سرودند. تائیا میر مطهری در «حباب شیشه» به درون این خانواده می‌پردازد و از منظر فریدا، دختر این زوج شاعر، جهان آن‌ها را بررسی می‌کند. میر مطهری در اثر خود زمان را خنثی می‌کند و آن را از پویایی به ایستایی فرا می‌خواند، جوری که عمود باشد و پیش نرود. در گفت‌وگوی پیش رو او از آن چه بر صحنه آورده است، برایمان گفت.

چه شد که نمایشی درباره زندگی سیلوپا پلات را به صحنه آوردید؟

ایده و فکر اولیه این اثر از خواندن کتاب شعری بود که در آن به زندگی سیلوپا پلات و تدهیوز می‌پرداخت. تدهیوز ملک‌شعرا دربار انگلستان بود و سیلوپا پلات یکی از شعرا نام‌آور آمریکا. من مشغول نوشتن نمایشنامه‌ای درباره زنی بودم که سیلوپا خیلی به آن نزدیک بود. این گونه به زندگی آن‌ها علاقه‌مند شدم. بنابراین، هر چیزی که درباره آن‌ها ترجمه شده بود، را خواندم. آن‌ها دو فرزند داشتند به نام‌های نیکولا و فریدا. در مطالعه اشعار سیلوپا پلات، شخصیت دو وجهی او مورد توجهم قرار گرفت و این چیزی بود که برای ساختن یک درام به کارم می‌آمد. من از شیوه‌ای که خود او در شعرش استفاده می‌کرده، در نمایش بهره برده‌ام.

این شیوه کدام است؟

سیلوپا در شعر ادامه‌دهندهٔ مشی ویرجینیا وولف در رمان است. وولف در رمان زمان را متوقف و خنثی می‌کند. او در اثرش به استحالتهٔ یک نقطه می‌رسد. من در این نمایش گسترش و تکثیر یک موقعیت را مد نظر قرار داده‌ام. دورهٔ ما دوره‌ای است که اشخاص از طریق آن چه دربارهٔ خودشان می‌گویند، شناخته می‌شوند. فکر می‌کنم تماشاگر نیاز دارد که از همین طریق اشخاص نمایش را بشناسد، یعنی هر کس خود دربارهٔ شخصیتش حرف بزند.

چگونه زمان را خنثی یا متوقف می‌کنید و این اتفاق چطور رخ می‌دهد؟

ما با فضا سازی زمان را خنثی کردیم. موقعیت از زاویهٔ دید فریدا دیده می‌شود. او به اشعار و خاطرات مادرش نگاه می‌کند. این جا سیلوپا مطرح نیست بلکه نمایش مربوط به فریدا و پدرش تد است. او به گذشته می‌رود، ولی فلاش‌بک نیست. آن چه وجود دارد تصورات این دختر دربارهٔ مادرش است.

یعنی سیلوپا به یک تصور ذهنی بدل می‌شود؟

سیلوپا خود کشی می‌کند چون پی می‌برد شوهرش به او خیانت کرده است. پدر سیلوپا یک نازی بوده و تمام اتفاقات دههٔ ۵۰ میلادی بر ذهن او تأثیر گذاشته است. در این جا تماشاگر است که داوری می‌کند که چرا آدمی با استعداد سیلوپا خودش را می‌کشد. او پیش از مرگش در ۱۱ فوریه ۱۹۶۳، اشعاری را سروده که فضای آخرین روزهایش را روشن می‌سازد.

تماشاگر لحظات آخر را از دید فریدا می‌بیند. آدم‌هایی که در زندگی او حضور داشته‌اند. یا اصلاً علاقه او به چیزهایی که در اطرافش بوده. مثل گل نسترن که او آنها را می‌کاشته و بعد از ثمر، می‌فروخته.

پس شما با استفاده از ساختار روایی اشعار پلات، تصورات او را از منظر دخترش روایت کرده‌اید.

همین‌طور است. برای مثال، سیلوپا پلات دربارهٔ کسی به نام ایزا دورا دانکن چند شعر دارد. دانکن که او را مبدع باله مدرن می‌دانند، همیشه شال قرمزی بر گردن داشته که به گونه‌ای امضای او به حساب می‌آمده است. روزی که ناگهان جسدش را پیدا می‌کنند، می‌بینند با همان شال معروفش خفه شده است. مثلاً ما از این اتفاق و نگاهی که سیلوپا در اشعارش به او دارد، استفاده کرده‌ایم. این نوعی از طراحی حرکت را در صحنه می‌طلبید که الهام گرفته از برآیندهای فکری پلات و دانکن بوده است.

طراحی صحنه را با توجه به این ایستایی زمان و تکثیر تصور، چگونه سازمان دادید؟

فضای صحنه و عناصر آن را خود متن پیشنهاد می‌دهد. به علاوه نکات کلیدی متن و دستورالعملی که دارد، فضای اصلی ما را روشن می‌کند. به هر حال، صحنهٔ ما یک صحنه اکسپرسیونیستی است که شکل و حجم در آن مهم است. صحنه ما تداعی کنندهٔ یک حباب شیشه است. این تصویری است که خود سیلوپا پلات از جهان در ذهن داشت. او در رمانی با همین نام، جهان را حبابی شیشه‌ای می‌داند که آدم‌ها در آن محصورند. هر جا باشید، باید حتماً هوای آلودهٔ موجود در این حباب را استنشاق کنید. سیلوپا این رمان را با نام مستعار چاپ کرد. البته در نمایش ما، هیچ‌گونه اقتباسی از آن رمان نشده است. در مجموع، بخشی از تصورات ذهنی پلات در ساختار نمایش ما کارآمد شده است.

«قلاده برای سگ مرده» به کارگردانی بهاء‌الدین کرمی

وقتی سگ اپرا می‌خواند

«قلاده برای سگ مرده» یک مونولوگ است که به شیوه ابزورد اجرا می‌شود، یک زبان پریشی در متن هست که در اجرا شدت می‌یابد.

سگی پرمنگنات می‌خورد و بعد از یک ساعت اگر بخواهد، می‌میرد. او برای بیدار ماندن دست به دامن روایت‌ها می‌شود ولی این روایت‌ها نمی‌توانند کاری بکنند و در آخر هم می‌میرد.

بهاء‌الدین کرمی که خود این نقش را بازی می‌کند، آن را نزدیک به خودش می‌داند. بنابراین، معتقد است که خودش را بازی کرده است. صدای این سگ نابهنجار است ولی دوست دارد مثل پاوروتی اپرا بخواند! اجرا طوری پیش می‌رود تا هر بیننده‌ای تأویل خود را از آن داشته باشد.

در صحنه، از آکسسوارهایی مانند قلاده بزرگ، نیمکت و لونه سگ استفاده شده است. بنابراین، صحنه دکور حجیم ندارد و بر پایه همین آکسسوارها، بازیگر بازی و اجرا را پیش می‌برد.

طنز به کار گرفته شده در اجرای «قلاده برای سگ مرده» دقیقاً به «گروتسک» نزدیک می‌شود، چون در آن به طور همزمان ترس و غم و شادی اتفاق می‌افتد. یعنی طنز و مضحکه با نوعی از غم و ترس عیان می‌شود.

در نمایش، از یک نور موضعی برای استفاده از آکسسوار استفاده می‌شود. بعضی از لحظات بازی نیز در این نوع نور رخ می‌دهند. همچنین در بعضی از قسمت‌ها تأکیدها با نور انجام می‌شود که باید به آن، ویدئو پروجکشن را هم افزود.

لباس به کار رفته در این نمایش دقیقاً شبیه به لباس دلک‌ها نیست، بلکه شباهتی به آن دارد. شاید سعی بر آن بوده است تا وضعیت سگ را با یک دلک یکی بدانند. به هر جهت، سگ شمایل و تمثیلی از دنیای بیرون است؛ همان دنیایی که پر از آدم است و همه چیز برای این موجود ناطق و متفکر تأویل‌پذیر خواهد شد.

بهاء‌الدین کرمی به مرگ مؤلف معتقد است. او به همین دلیل چندان پایبند به اثر هنری خلق شده نیست. به خاطر این است که مخاطب باید برداشت خود را از اثر داشته باشد. این همان فضای بازی است که در ابتدا به آن اشاره شد.



طنز به کار گرفته شده در اجرای «قلاده برای سگ مرده» دقیقاً به گروتسک نزدیک می‌شود. چون در آن به طور همزمان ترس و غم و شادی اتفاق می‌افتد



«تبار خون» به کارگردانی توحید معصومی

پادشاهی بود که سه دختر داشت

«تبار خون» نوشته آتیلا پسیانی است که اولین بار حدود ۱۰ سال پیش توسط خودش به صحنه آمد. این نمایشنامه اقتباسی از «لیرشاه» شکسپیر است که در قالب یک روایت چند لایه و تو در توی شرقی و ایرانی ارائه می‌شود.

دو بازیگر دوره‌گرد روایت قصه‌ای را آغاز می‌کنند: پادشاهی بود که سه دختر داشت. روزی او اراده کرد تا ملکش را میان آن‌ها تقسیم کند و ... در اجرا گروه بر آن است تا با افزودن چند عنصر جدید و استفاده از شیوه نمایش‌های ایرانی به فضایی متفاوت و در عین حال ملموس برای تماشاگر امروز دست پیدا کند.

بازی در «تبار خون» مبتنی بر شیوه بازی در نمایش‌های ایرانی است؛ نمایشی که متکی بر عنصر روایت پیش می‌رود. یک بازیگر نیز از سوی کارگردان به شخصیت‌های نمایشنامه افزوده شده است تا در معاصر سازی آن و ایجاد فاصله‌گذاری در بعضی از جاها به کار گرفته شود. این فاصله‌گذاری و شکست روایت، فاصله‌ای میان روایت‌های «تبار خون» است. طراحی صحنه کاملاً خلاصه شده و موجز است و تنها عنصر موجود در صحنه، یک گاری سفری است. این گاری محل زندگی دوره‌گردان است. بازیگر بنا بر نیازش ضمن استفاده از ابزار و اثاثیه، از گاری نیز استفاده می‌کند.

لباس‌ها متعلق به دوره خاصی نیست و در یک نگاه، تماشاگران درمی‌یابند که در لباس روزمره این بازیگران، المان‌هایی از کاراکترها وجود دارد.

نور تخت و عمومی است، در ابتدای نمایش، بریده‌ای از متن «لیرشاه» در نور موضعی و چرخان اجرا می‌شود. این قسمت مربوط به قطعه لیرشاه و دلک است.

این نمایش بر توان و قدرت بازیگر استوار است. در اجرا، تلاش شده است تا توان و انرژی در خدمت خلق ۱۰ تا ۱۲ نقش متفاوت باشد. نمایش «تبار خون» در شش فضای متفاوت خلق شده است.



طراحی صحنه کاملاً خلاصه شده و موجز است. تنها عنصر موجود در صحنه، یک گاری سفری است که محل زندگی عده‌ای دوره‌گرد است



نمایش‌های خیابانی جشنواره بیست و هشتم، در یک نگاه

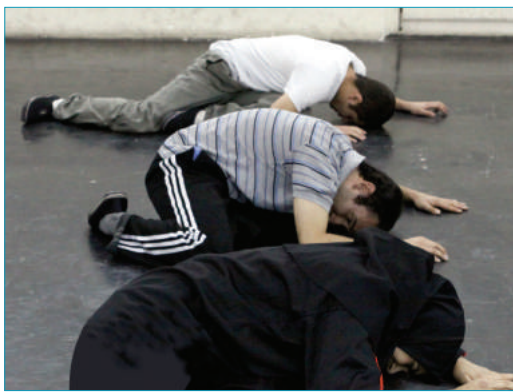
کلاس درسی بدون تخته

انقلاب و اصلاح الگوی مصرف می‌شود و سه اثر مربوط به خارج از مسابقه است. خاطراتی از روزهای آغاز انقلاب، جنگ، معضلات اجتماعی و گاه حتی نقبی به برخی آداب و رسوم فراموش شده، موضوعات نمایش‌های بخش خیابانی جشنواره امسال است. در این گزارش به اجرای نمایش‌های خیابانی بخش مسابقه و خارج از مسابقه سه روز اول جشنواره می‌پردازیم. گزارش سه روز بعدی این اجراها و ۱۳ نمایش بخش مریوان را در شماره‌های بعدی بخوانید.

بهاره بهرانی: تئاتر خیابانی کلاس درسی است که نه تخته دارد و نه معلمش حقوقی می‌گیرد؛ فضایی منعکس از دنیای واقعی که تصاویر آن پی‌درپی می‌آیند و مخاطب حتی با سکوت، ناگزیر از مداخله در آن است. در اهمیت این گونه نمایشی همین بس که از ابتدا جزءلاینفک تمام جشنواره‌ها بوده است. بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز امسال در بخش خیابانی شاهد حضور ۲۹ نمایش است که ۱۳ نمایش آن مربوط به برگزیدگان مریوان، ۱۳ نمایش در بخش مسابقه که شامل موضوع

تلاطم امواج

«تلاطم امواج» کاری از گروه نمایشی «سوما» نوشته و اثر بهرام ریحانی، اگرچه خود را با عنوان روایت تاریخ چند هزار ساله ایران براساس داستان‌هایی واقعی و تکرار شونده معرفی می‌کند، اما به گفته این کارگردان، ایده اصلی آن از سفر به دماوند آغاز شده است. ریحانی چندی پیش یک پانتومیم را در قلعه دماوند به عنوان مرتفع‌ترین صحنه نمایش جهان اجرا کرد که در کتاب رکوردهای گینس نیز ثبت شده است. او می‌گوید: «تلاطم امواج روایت تاریخ چند هزار ساله ایران از ورود آریایی‌ها تا دوران معاصر است؛ البته به شکل بی‌کلام و در ۳۰ دقیقه از زبان دماوند که ناظر همیشگی وقایع ایران بوده است.»



خاطره فروشی

«خاطره فروشی» نوشته علی شمس و به کارگردانی مجتبی دربندی از جمله نمایش‌های خیابانی است که با موضوع انقلاب در جشنواره حضور پیدا کرده است. این نمایش داستان روزنامه‌فروشی است که حوادث مهم پیش از انقلاب را می‌فروشد. دربندی که دومین سال حضورش در جشنواره را سپری می‌کند و بازیگری نمایش را نیز خود به عهده دارد، درباره این تجربه می‌گوید: «احساس کردم پس از ۳۱ سال که از داستان‌های انقلاب می‌گذرد، ممکن است نسل جدید تنها با آنچه از صداوسیما می‌بینند، نتوانند با مسائل آن زمان آشنا شوند. از سویی، روزنامه‌ها همیشه سندهای بسیار معتبری هستند که سوژه‌های بکر و خوبی از حوادث آن‌ها بیرون می‌آید. به همین دلیل داستان ما در ۲۵ دقیقه به خاطره‌فروشی یک روزنامه‌فروش می‌پردازد.»

انسان هسته‌ای



«انسان هسته‌ای» با طراحی و کارگردانی شاهد پیوند با انتخاب موضوعی آزاد سعی کرده در یک مونولوگ ۱۸ دقیقه‌ای و در فضایی غیرمتعارف به روایت انسان‌های اطراف ما بپردازد. پیوند توضیح می‌دهد: «برای رسیدن به این فضا ما شبکه‌ای را طراحی کرده‌ایم که ابتدا نصف صورت یک مرد از یک طرف آن بیرون می‌آید و داستان زندگی خود را به عنوان موجودی در نزدیکی هسته زمین روایت می‌کند. چند دقیقه بعد، نیمه صورت یک زن از طرف دیگر مشخص می‌شود که آن هم داستان خود را روایت می‌کند.»

تیک تاک ... تیپ تاپ

دو رزمنده از خاطراتشان از زمان جنگ آغاز می‌شود. با فلش‌بک‌هایی که به گذشته می‌شود و در این رفتارآمدها، حضور یکی دیگر از دوستان آن‌ها و داستان شهادتش نیز روایت می‌شود.»

«تیک‌تاک ... تیپ‌تاپ» به کارگردانی مهدی اصغری اثری است از گروه تئاتر راهبان نور و سپیده که با موضوع انقلاب در جشنواره شرکت کرده است. اصغری درباره این تجربه خود می‌گوید: «نمایش با روایت

ما همه می‌دونیم

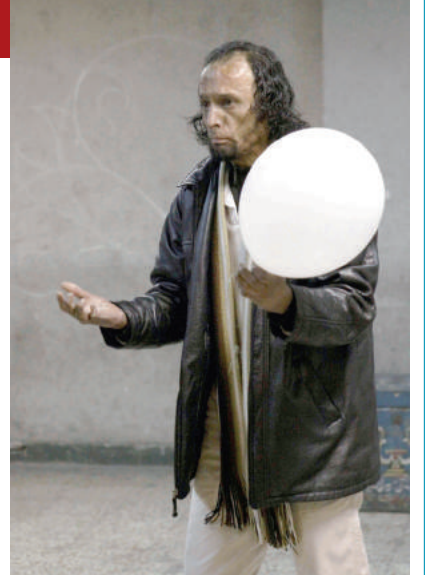
«ما همه می‌دونیم» عنوان نمایشی به کارگردانی پوریا کریمی دردشتی از لاهیجان است. این نمایش در بخش آزاد و با توجه به نام‌گذاری سال ۸۸ با عنوان اصلاح الگوی مصرف شکل گرفته است.

دردشتی تلاش کرده دیدی انتقادی به معضلات و رفتارهای مردم جامعه، آن هم از نوع عادی و دم‌دستی داشته باشد تا به قول خودش ثابت کند همه می‌دانیم رفتارهای بد در مصرف چه چیزهایی است. اما این رفتارها آن‌قدر در درون ما نهادینه شده است که از عمل نکردن به آن‌ها هراس داریم.



الگوی مصرف

«الگوی مصرف» به نویسندگی و کارگردانی علی رحیمی همان‌طور که از نامش پیداست بی‌ربط با اصلاح الگوی مصرف نیست، البته کارگردان کوشیده این موضوع را با بخش انقلاب نیز پیوند دهد. رحیمی که از کارگردانان باسابقه حوزه تئاتر خیابانی است و ۲۷ تجربه خود را در این جشنواره عرضه کرده است، می‌گوید: «با توجه به تجربیاتی که از اجرای گروه‌های خارجی در جشنواره‌های قبل داشتم، کوشیدم از امکاناتی مثل نور و ضبط رادیویی در صحنه بهره ببرم. این نمایش داستان مردی است که در زمان جنگ کودکی را از سوختن در آتش نجات داده است. مرد در گفت‌وگویی با رادیو می‌خواهد روش زندگی کردن در سال اصلاح الگوی مصرف را به او نشان دهد و ...»



فرشته‌ها می‌آیند

«فرشته‌ها می‌آیند» به کارگردانی رسول حق‌شناس داستان روایتی است که به خاطر حبس فرشته‌های آزادی پزمرده شده است. او به کمک دو شاهزاده کوچولو فرشته‌ها را آزاد می‌کند و آن‌ها شادابی خود را به دست می‌آورند و ... در آخر، شعر آزادی را با نوای مردمی می‌خوانند.

THEATER

23 January 2010

The 28th Fajr International Theater Festival



Dramatic Arts Center